

بار ارزشی کلمات در طراحی پرسش نامه‌ها

سؤالات پرسش نامه‌ها نباید در اثر بار ارزشی کلمات، پاسخ‌های خاصی را به افراد القا نمایند. به سؤال‌های زیر توجه کنید و بگویید به نظر شما احتمال پاسخ منفی یا مثبت دادن به کدام سؤال بیشتر است؟



– آیا موافق تمدید طرح کارت سوخت هستید؟

– آیا موافقید که با تمدید طرح کارت سوخت، ماهانه جیره بنزین

دریافت کنید؟

– آیا موافقید که با تمدید طرح کارت سوخت حق قانونی خود را دریافت کنید؟

یکی از رشته‌های دانشگاهی رشته سنجش و اندازه‌گیری (روان‌سنجی) است که به طور تخصصی به طراحی سؤال پرسش نامه‌های روان‌شناسی به دور از هرگونه سوگیری و بار ارزشی کلمات می‌پردازد.

تحقیق: چند برنامه خبری در مناسبات مختلف را نگاه کنید و مشخص کنید در مصاحبه‌هایی

که از تلویزیون پخش می‌شوند، گزارشگران سؤالات خود را سوگیرانه پرسیده‌اند یا نه؟

(از آنجا که به دلیل فرصت محدود خبر، سؤال اصلی پخش نمی‌شود و تنها پاسخ افراد بیان

می‌شود، لذا سعی کنید از طریق پاسخ‌ها، سؤال اصلی را حدس بزنید).

نکته

هنگامی که مطلبی را بیان می‌کنیم، گاه توصیف ما از آن پدیده به طور ضمنی تأیید و تحسین آن به شمار می‌آید (بار ارزشی مثبت) و گاه به طور ضمنی تقبیح آن است (بار ارزشی منفی) و گاه بدون هرگونه تحسین و یا تقبیحی است (بار خنثی).

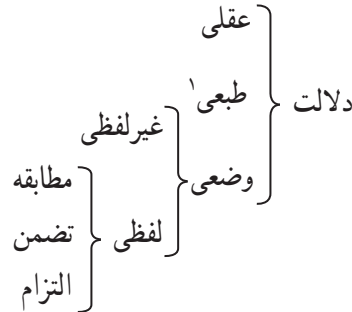
هر یک از این جملات سه گانه فوق می‌توانند صادق یا کاذب باشند. لذا بحث بار ارزشی کلمات همچنان در فضای منطق دو ارزشی است و از منطق فازی یا منطق‌های غیرکلاسیک اخذ نشده است.



قائم مقام وزیر بازرگانی
قیمت نان افزایش نمی‌یابد، متعادل می‌شود

نحوه دلالت لفظ بر معنا در جملات

در کتاب‌های منطق، انواع دلالت عقلی، طبیعی و وضعی ذکر می‌شود. دلالت وضعی نیز به لفظی و غیر لفظی تقسیم می‌شود.



از آنجا که هدف از بیان این تقسیمات در کتاب‌های منطقی، پرداختن به انواع دلالت وضعی لفظی است، در این کتاب تنها این نوع دلالت در درس مربوط به الفاظ مطرح شده است. ملاحظاتی سبزواری در منظومه می‌نویسد:

من طرق الدلالة الجلیه اعتبر اللفظية الوضعیه

«از میان دلالت‌های آشکار، [در منطق] دلالت لفظی وضعی معتبر است»

آنچه در این بحث مهم است، دلالت التزامی است. در دلالت التزامی لازم است در ذهن شنونده میان یک امر و لازمه آن ارتباط محکمی وجود داشته باشد. به عنوان مثال در کتاب‌های منطق ذکر می‌کنند که شیر هم شجاع است و دهان بدبویی دارد؛ اما آنچه در ذهن افراد درباره شیر راسخ شده است، شجاعت وی است و نه بوی بد دهان وی؛ لذا شیر به دلالت التزامی بر شجاع دلالت دارد و بر «بوی بد دهان داشتن» دلالت ندارد. لازم به ذکر است که در دیباگرام صفحه ۱۲، فلش‌های رسم شده نشانه «دالات» هستند.

۱- دلالت طبیعی نوعی دلالت عقلی است که در حیطه بدن موجودات به کار می‌رود؛ مانند زردی چهره که نشانه بیماری است. از آنجا که پزشکان قدیم منطق می‌خواندند و مبحث طبایع در طبیعات قدیم اهمیت داشته است، دلالت طبیعی را نوع جداگانه‌ای قرار داده‌اند.

مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات

■ چند مثال دیگر :

- گفته بودم که برایت نوشابه می خرم، خُب آب هم نوعی نوشابه است.
- من که گفتم بعد از ظهر می آیم! خُب ساعت ۹ شب هم بعد از «ظهر» است.
- اگر طلبکاران آمدند، من می روم در حیاط؛ بگو در خانه نیست!
- اگر مغازه دار جویری صحبت کرد که برخلاف میل خود ناچار به خرید بودی، بگو کیف پولم همراهم نیست! او فکر می کند پول نداری و دست از سرت بر می دارد!
- ما گفتیم کارخانه در حضور رئیس جمهور افتتاح شد، ولی نگفتیم به بهره برداری رسید! (با این روش می توان یک کارخانه را یک بار برای کلنگ زنی و احداث، یک بار برای افتتاح، یک بار برای راه اندازی و یک بار برای بهره برداری رسیدن و پس از آن برای تکمیل فاز یک و دو و ... آن توسط افراد مختلف مورد استفاده تبلیغاتی قرار داد!).

■ بررسی مثال های صفحه ۱۷ کتاب

- محمد شاه قاجار ریختن خون را به معنای ظاهری آن گرفت و آن را شامل کشتن از طریق خفه کردن ندانست! درحالی که مسلم است که وی قسم یاد کرده بود که وزیر خود را نخواهد کشت.
- حساب کردن به معنای «محاسبه کردن» در نظر گرفته شده و نه به معنای «پرداخت کردن».

■ تفاوت مغالطه «اشتراک لفظ» و «توسل به معنای ظاهری کلمات»

در مغالطه اشتراک لفظ، یک کلمه دارای چند معنای اصلی است. مانند شیر

در مغالطه توسل به معنای ظاهری، کلمه دارای یک معنای اصلی است و معنای دیگر به دلالت التزامی یا تضمینی به دست می آید. مانند: حساب کردن که در اصل (به دلالت مطابقه) به معنای محاسبه کردن است و به دلالت التزامی به معنای پرداخت کردن پول است. و یا مانند «شیر» که معنای اصلی آن حیوان جنگلی است و شجاع بودن معنای فرعی یا التزامی آن است.

شيوه نگارش کلمات

امروزه بحث ویراستاری ادبی و علمی یکی از ضروریات انتشار کتابها و مقالات است که جهت پرهیز از خطای اندیشه صورت می گیرد. در برخی از کتابها ویراستار معروف تر از نویسنده است.

به‌عنوان مثال در «دائرة المعارف فلسفی پل ادواردز»، پل ادواردز ویراستار مجموعه است و نه مؤلف آن.

همچنین در قراردادهای بین‌المللی، دقت در نگارش و استفاده صحیح از علائم سجاوندی اهمیت ویژه‌ای دارد تا در آینده متن قرارداد قابلیت تفسیرهای متفاوت را نداشته باشد. در ادبیات، گاه با گذاردن یک ویرگول، معنای جمله تغییر می‌کند. مانند:

مفروشید کمان و زره و تیغ، زنان را که سزا نیست سَلَح‌ها بجز از تیغ زنان را
 یکی شاهدهی در سمرقند داشت که گفتی بجای سمر، قند داشت

■ جناس تام و ناقص

جناس تام در ادبیات با بحث مغالطه اشتراک لفظ ارتباط دارد. در جناس تام، لازم است تا هم شکل ظاهری دو کلمه و هم تلفظ آنها مشابه یکدیگر باشند.

بخشی از جناس ناقص در ادبیات نیز، با بحث مغالطه نگارشی کلمات ارتباط دارد. مانند:

خوار و خار؛ صفر و سفر (تفاوت در دیکته کلمات)
 کِشت و کُشت (تفاوت در اعراب)
 صبحدم ناله قمری شنو از طرف چمن تا فراموش کنی فتنه دور قمری

ادبیات	منطق
تام	مغالطه اشتراک لفظ
ناقص	مغالطه نگارشی کلمات

بنابراین هنگامی که دو کلمه تنها در تلفظ با یکدیگر مشابه هستند و نه در نحوه نگارش (مانند خوار و خار)، مغالطه اشتراک لفظ نیست و مغالطه نگارشی کلمات است.

۱- به‌جز جناس تام و ناقص، نوع دیگری از جناس وجود دارد که آن را جناس مرکب می‌نامند. این نوع جناس را نیز در منطق معادل شیوه نگارش کلمات در نظر می‌گیریم؛ مانند: گلیم: (نوعی زیرانداز) و گل‌ایم (از گل هستیم).

جهت مطالعه دربارهٔ جناس و اقسام آن می‌توانید به درس هفدهم کتاب علوم و فنون ادبی (۱) پایهٔ دهم مراجعه نمایید (این صفحات در انتهای کتاب به صورت ضمیمه درج شده‌اند).

■ طنز بر اساس شیوهٔ نگارش کلمات

– فرد لنگی به مسافرت دریایی رفته بود. دوستش پرسید: سفر خوش گذشت؟ گفت: نه، دائم تشویش داشتم! چون هر چند وقت یک‌بار می‌گفتند: لنگرو بندازین تو آب!

– به یکی گفتند با «عدس» جمله بساز. گفت: آدس ما ناراحتی؟

■ مثال دیگر:

– جرج اسمیت، مورخ فلسفه مسیحی است.

– جرج اسمیت مورخ فلسفه، مسیحی است.

■ ابهام در عبارات^۱

حکایت پادشاه لیدیه را در کلاس مطرح کنید.

■ بررسی مثال‌های صفحه ۱۹

دو معنای متفاوت از مثال‌های زیر برداشت کنید:

۱ رستم دستی به سر خودش کشید و حرکت کرد؛ ۲ رستم دستی به سر اسب کشید و حرکت کرد.

۱ شکارچی به پلنگ شلیک کرد؛ ۲ شکارچی به آهو شلیک کرد.

مغالطهٔ ممارات

مغالطهٔ ابهام در عبارات در کتاب‌های قدیمی منطق در ذیل مغالطهٔ «ممارات» قرار دارد. مغالطهٔ ممارات به سه صورت زیر قابل ایجاد است:

۱ ضمیری در جمله باشد که می‌تواند دو مرجع داشته باشد. (مانند: مثال‌های ذکر شده در درس)

۲ ابهام ناشی از حذف بخشی از جمله. (مانند: میل دارید با ما غذا بخورید؟ نه میل ندارم «با شما غذا بخورم» یا نه میل ندارم «غذا بخورم»).

۳ جملات منفی ملحق به تشبیه (مانند: «من زرنگ نیستم مانند تو» که دو معنا دارد: یکی آنکه من زرنگ نیستم و تو زرنگ هستی؛ و دیگر آنکه تو هم مثل من زرنگ نیستی).

۱- این عنوان در کتاب منطق چاپ سال ۱۳۹۷ به «ابهام در مرجع ضمیر» تغییر یافته است.

۴ ساختار صرفی مشخص نیست. (مانند: «کتاب حسن الجمیل» که در عربی «جمیل» ممکن است صفت حسن و یا صفت کتاب باشد.)

«شیشه بر سر او خورد که شکست» که دو معنا دارد: شیشه شکست یا سر او شکست؟ از میان موارد فوق، تنها دو مورد نخست در کتاب درسی سال ۱۳۹۶ مطرح شده است و نام آن «مغالطه ابهام در عبارات» گذاشته شده است. اما در کتاب درسی سال ۱۳۹۷ تنها مورد اول مطرح شده و نام آن «مغالطه مرجع ضمیر» نامیده شده است.

■ جمع بندی مغالطات مطرح شده در این درس

۱ مغالطه اشتراک لفظ:

یک لفظ به دلالت مطابقی دارای چند معنا است.

۲ مغالطه توسل به معنای ظاهری:

یک لفظ به دلالت مطابقی دارای یک معنا و به دلالت تضمینی با التزامی دارای معنای دیگری است. (در برخی از موارد ممکن است مغالطه توسل به معنای ظاهری را بتوان زیر مجموعه مغالطه اشتراک لفظ دانست، در این موارد باید به توضیح دانش آموزان توجه کرد و به هر دو مغالطه نمره داد. این موارد را نباید در تست ها مطرح کرد.)

۳ مغالطه بارارزشی کلمات:



مربوط به کلمات مترادف است. چند لفظ دارای یک معنا هستند.

۴ مغالطه نگارشی کلمات:

شامل علائم سجاوندی، اعراب و نقطه گذاری و دیکته کلمات است.

۵ مغالطه ابهام در عبارات:

مرجع ضمیر مشخص نیست و جمله دو پهلو است.

مغالطه اشتراک لفظ	مغالطه بارارزشی کلمات
در حیطة الفاظ مشترک مطرح می شود.	در حیطة الفاظ مترادف مطرح می شود.
<p>یک لفظ</p>  <p>چند معنا</p>	<p>چند لفظ</p>  <p>یک معنا</p>

تمرین صفحه ۱۴

۱ زیر الفاظ مشترک خط بکشید و معانی مختلف آنها را بیان کنید :

خواب شیرین : خواب خوش، خوابی که شیرین می‌بیند.

کاری : فعال و کوشا، نوعی ادویه

۲ معنای واژه‌های زیر را مشخص کنید :

(این تمرین برای توجه به اشتراک لفظ طراحی شده است)

نمی‌توانید : اجازه ندارید، ما جلوی شما را می‌گیریم.

نمی‌توانی : بلد نیستی (مهارت نداری)، قادر به انجام صحیح این کار نیستید.

نمی‌توانی : قدرت نداری، نیروی لازم را نداری.

تمرین صفحه ۱۶ : نوع دلالت لفظ بر معنا را در عبارات زیر تعیین کنید :

کتابم : صفحات کتابم (دلالت تضمن)

شیر : شجاع (دلالت التزامی)

کتابم : کل کتاب را گم کرده است (دلالت مطابقی)

ماشینم : بخشی از ماشین (مثلاً موتور آن یا بدنه آن) خراب شده است (دلالت تضمن)

تمرین صفحه ۱۸ : با تغییر علائم سجاوندی، معانی مختلف جملات زیر را مشخص کنید :

به نظر، علی احمدی دانشجوی خوبی است.

به نظر علی، احمدی دانشجوی خوبی است.

به نظر علی احمدی، دانشجوی خوبی است (این نحو از قرائت می‌تواند در ادامه یک جمله دیگر

معنا داشته باشد).

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت، در شهر بوشهر برگزار می‌شود.

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر بوشهر، برگزار می‌شود.

ارز : پول خارجی، بها

عَرَض : پهنا (در برابر طول)، مدت زمان (همچنین «عَرَض» به معنای آبرو و «عَرَض» اصطلاحی

فلسفی در مقابل جوهر هستند).

ارض : زمین، سرزمین

مُلک : کشور، پادشاهی

مَلک : به صورت «مَلِک» به معنای پادشاه و به صورت «مَلْک» به معنای فرشته است.

مِلک : دارایی، آنچه در تصرف شخص باشد.

تمرین صفحه ۲۰ : دو پهلو بودن عبارت‌های زیر را مشخص کنید :

۱ لعنت خدا بر فرمانروای ظالم باد؛ ۲ لعنت خدا بر شخصیت مورد علاقهٔ مردم باد.

۱ میل ندارم با شما غذا بخورم؛ ۲ میل به غذا خوردن ندارم^۱.

پاسخ فعالیت‌های تکمیلی

سؤال ۱

الف : خانمی که فامیل او «پزشکی» بود... (همچنین گاه به معنای خانمی است که فامیل همسر او «پزشکی» است).

زن یک پزشک...؛

خانمی که پزشکی شغل او بود...؛

همچنین می‌توان با گذاشتن ویرگول پس از خانم، جمله را به صورت خطاب به یک خانم خواند.

ب : فهم دو معنای این تمرین معمولاً نخستین بار برای دانش‌آموزان دشوار است و نیازمند توضیح دیر است :

شرکت سه‌نند و شرکت سبلان هر دو رقیب مهمی برای شرکت ما نیستند و نباید در برنامه‌ریزی خود به آنها توجه کنیم؛

شرکت سه‌نند رقیب مهمی برای شرکت ما نیست، ولی شرکت سبلان رقیب مهمی برای ما هست و باید در برنامه‌ریزی خود به شرکت سبلان که رقیب اصلی ما است توجه کنیم.

ج : او گفت که این کتاب مال خودش است؛

او گفت که این کتاب مال منِ گوینده است.

د : مردم گفته‌اند که سخن تو صحیح است.

مردم گفته‌اند که سخن تو صحیح نیست و افزایش بودجهٔ عمرانی دولت صحیح است.

۱- این تمرین در کتاب منطق چاپ ۱۳۹۷ به صورت زیر تغییر کرده است :

سارا کتاب‌های احمد را به برادرش داد : ۱- سارا کتاب‌های احمد را به برادر احمد داد؛ ۲- سارا کتاب‌های احمد را به برادر خودش

(برادر سارا) داد.

هـ : «از او گشتن» دارای دو معنا است :

۱ از آن او شدن (چون از آن او شدی، همه چیز از آن تو شد).

۲ از او برگشتن و به او پشت کردن (چون به او پشت کردی، همه چیز به تو پشت کرد).

و : سعید فرد متدینی است.

همسایه سعید فرد متدینی است.

ز : عفو لازم نیست، اعدامش کنید؛

عفو، لازم نیست اعدامش کنید.

سؤال ۲ : در متن سؤال اشتباه تایی رخ داده است. لازم است عبارت «درس چهاردهم کتاب

فارسی (۱)» به صورت «درس هفدهم کتاب علوم و فنون ادبی (۱)» اصلاح شود.

الف) جناس تام (در جناس تام، لفظ از نظر کتابت و تلفظ یکی است و معنا مختلف است).

ب) هر مثال مناسبی قابل قبول است؛ مانند : برادر که در بند خویش است، نه برادر نه خویش

است.

ج) دلالت التزامی

سؤال ۳ :

الف) دلالت التزامی؛

ب) دلالت مطابقه؛

ج) دلالت تضمن (زیرا فقط روی کفش را واکس می‌زنیم)؛

د) دلالت التزامی.

سؤال ۴ :

الف) مغالطه توسط به معنای ظاهری

ب) پاسخ سلمانی توسط به معنای ظاهری بوده است.

سؤال ۱۵ : در بررسی این تمرین، توضیحات دانش‌آموزان و جملاتی که به عنوان شاهد بیان

می‌کنند اهمیت دارد.

بارارزشی منفی : لجوج؛ متعصب (به معنای منفی آن)؛ یک دنده؛ حرف نشنو؛ میگه مرغ یک پا

دارد؛ حرف حرف خودشه؛ کله شق.

بارارزشی مثبت : مصمم؛ تزلزل ناپذیر، ثابت قدم؛ مقید؛ استوار؛ پایبند

■ تذکر

«متعصب» می‌تواند بسته به توضیح دانش‌آموزان، معنای منفی (تعصب کور؛ جمود) یا معنای مثبت (تعصب بر ارزش‌ها) و یا خنثی (تعصب) داشته باشد؛ لذا توضیح دانش‌آموزان و جملاتی که بکار می‌برند در بررسی این تمرین اهمیت دارد.

سؤال ۶ : کِشْت، گُشت؛ شُکر، شِکر؛ سَم، سُم؛ سَحَر، سِحر؛ نِشِسته، نَشُسته.

تمرین و تحقیق‌های اضافی پیشنهادی

۱ معانی مختلف الفاظ «عین» و «جبر» را به کمک لغت‌نامه‌های فارسی و عربی بنویسید.
پاسخ :

به‌عنوان نمونه برخی از معانی این کلمات عبارت‌اند از :

عین : چشم، چشمه، ذات هر چیز، اصل و ...

جبر : اجبار (در مقابل اختیار)، ضرورت، بستن استخوان شکسته و ...

۲ معنای مختلف کلمات زیر را بنویسید :

صاعد (پاسخ : بالا رونده)

طور (پاسخ : کوه‌طور، چگونگی)

غازی (پاسخ : مجاهد؛ جنگجو)

صلاح (پاسخ : مصلحت)

اسرار (پاسخ : راز)

«کَثرَ اللهُ امثالک» (پاسخ : خدا افراد مثل شما را زیاد کند)؛

«کَسَّرَ اللهُ امثالک» (پاسخ : خداوند افراد مثل شما را خرد و نابود کند)

۳ مغالطاتی که در این درس خواندید را دسته‌بندی کنید و تحقیق کنید که چه نوع مغالطات دیگری در مبحث الفاظ وجود دارند؟ برای هر یک مثالی ذکر کنید. برای این کار می‌توانید به اینترنت یا کتاب‌هایی که در بخش منابع کتاب درسی معرفی شده‌اند مراجعه کنید.



پاسخ :

این سؤال جنبه تحقیقی داشته و با هدف آشنا کردن و علاقه مند کردن دانش آموزان با مغالطات طراحی شده است.

۴ از اشتراک لفظ برای تبلیغات تجاری نیز استفاده می کنند. به عنوان مثال کارخانه ای که روغن سرخ کردنی شفاف تولید می کند می نویسد : «ما با شما شفافیم!» شما نیز یک مورد از این گونه تبلیغات را بیان کنید.

پاسخ ۱ :

دانش آموزان در طول سال تحصیلی موارد زیادی از این نوع تبلیغات را می یابند و به کلاس می آورند. می توانید زمان تحویل این تمرین را تا پایان سال آزاد بگذارید. توجه شود که این نوع تبلیغات به خودی خود مغالطه نیستند و تنها تمرینی برای توجه به بحث اشتراک لفظ به شمار می آیند. به عنوان

مثال به تبلیغ زیر توجه کنید :

«با ماست» به دو معنا است :

۱ برعهده ما است و ۲ به همراه ماست

۵ با توجه به تفاوت کلمات زیر، بگویید که به کاربردن هر یک از آنها در جمله، چه بار معنایی به همراه خواهد داشت؟ (آنها را دو به دو مقایسه کنید)

دوست / آشنا؛ حسادت / غبطه؛ باهوش / حيله گر؛ ناراحتی / دلخوری؛ دلگیری / کدورت.

پاسخ :

هدف از طراحی این سؤال توجه به تفاوت های ظریفی است که در کلمات مشابه وجود دارد.

۶ در عبارات و استدلال های زیر اشتراک لفظ را مشخص کنید :

الف) در باز است؛ باز پرنده است؛ پس در پرنده است.

ب) بیژن شیر است؛ شیر یال دارد؛ پس بیژن یال دارد.

۱- ذکر مثال های واقعی در کتاب معلم، برای توجه به مثال های ملموس و دم دستی در زندگی روزمره است. از آنجا که مخاطب این کتاب تنها دبیران محترم هستند، ذکر این موارد حذف نام شرکت ها صورت گرفته است و جنبه تبلیغاتی یا ضد تبلیغی برای ایشان ندارد.

ج) امروز آسمان تار است؛ تار یکی از آلات موسیقی است؛ پس آسمان یکی از آلات موسیقی است.
پاسخ:

الف) باز به معنای نوعی پرنده شکاری و نیز در مقابل معنای بسته به کار رفته است.

ب) شیر به معنای شجاع و به معنای حیوان جنگلی به کار رفته است.

ج) تار به معنای غیر واضح و نیز به معنای یکی از آلات موسیقی است.

۷ عبارات زیر ممکن است باعث ایجاد کدام مغالطه شوند؟

الف) قوم گفتندش که ای خر گوش دار خویش را اندازه خر گوش دار

ب) هر کس حسن را ببیند، اگر غمگین باشد شادمان می شود.

ج) او و همسرش سه سال اختلاف داشتند.

د) یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر شیراز برگزار می شود.

ه) او چند غزل این شاعر جوان را خوب و بی اشکال خواند.

و) گفتمش باید بری نامم زیاد گفت آری می برم نامت ز یاد

ز) شما قول داده بودید که خط تلفن ما تا امروز وصل می شود، پس چرا تلفن ما هنوز کار نمی کند؟

مسئول اداره مخابرات: خیر، ما گفتیم که تا امروز خط تلفن شما را می کشیم که کشیدیم، اما قولی

درباره بکار افتادن تلفن ندادیم!

ح) مکن تا توانی دل خلق ریش وگر می کنی، می کنی بیخ خویش

ط) حاکم بغداد حکمی کرد و می باید شنید تا که او باشد نباید کرد لعنت بر یزید

ی) خواجه در ابریشم و ما در گلیم عاقبت ای دل همه یکسر گلیم

پاسخ:

الف) مغالطه نگارشی کلمات درباره کلمه «خر گوش».

ب) مغالطه ابهام در عبارات (معلوم نیست که حسن خوشحال می شود یا کسی که او را می بیند).

ج) مغالطه اشتراک لفظ (او و همسرش سه سال اختلاف سنی دارند یا سه سال است که با هم

اختلاف خانوادگی دارند!).

د) مغالطه نگارشی کلمات:

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت، در شهر شیراز برگزار می شود.

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر شیراز، برگزار می شود.

ه) مغالطه اشتراک لفظ (او چند غزل از این شاعر جوان را به زیبایی قرائت کرد یا چند غزل از این شاعر جوان را غزل‌هایی خوب و بدون اشکال ادبی دانست).

و) مغالطه نگارشی کلمات درباره کلمات «زیاد» و «زیاد».

ز) مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات (کشیدن خط تلفن به دلالت مطابقه به معنای کشیدن کابل تلفن تا درب منزل است و به دلالت التزامی به معنای به کار افتادن تلفن منزل است).

ح) مغالطه نگارشی کلمات درباره کلمات «می‌کنی» و «می‌کنی»

ط) مغالطه ابهام در عبارات :

حاکم بغداد دستور داده است که دیگر نباید بر یزید لعن فرستاد!

حاکم بغداد چنان حکم بدی کرده است که با وجود او، دیگر نوبت به لعنت کردن به یزید نمی‌رسد! (اغراق در بد بودن حاکم بغداد).

ی) گلیم به معنای فرش و گلیم و در مورد دوم مخفف «در گل هستیم» است، لذا می‌توان آن را مغالطه نگارشی کلمات به شمار آورد^۱.

۸ مشخص کنید که کدام یک از وجود ذهنی، لفظی یا خارجی کلمات مشخص شده مورد نظر هستند.

تبریز در آذربایجان است (پاسخ : خارجی)؛ انسان زیبایی را دوست دارد. (پاسخ : خارجی)؛ آذر در آذر به دنیا آمد. (پاسخ : هر دو خارجی)

«تبریز» اسم است (پاسخ : لفظی)؛ الفبای فارسی یازده حرف دارد. (پاسخ : لفظی)؛ اسم امام سوم نقطه ندارد. (پاسخ : لفظی)؛ این سه نقطه دارد. (پاسخ : لفظی)

تبریز مفهومی جزئی است (پاسخ : ذهنی)؛ سیمرخ تصویری خیالی است. (پاسخ : ذهنی)

کوه طلا زرد است. (پاسخ : ذهنی و خارجی)

۹ سه مثال ذکر کنید که در آنها واژه «تلویزیون» به سه نوع دلالت مطابقی، تضمینی و التزامی به کار رفته باشد.

پاسخ :

تلویزیون خریدم (مطابقی)؛ تلویزیون ما خراب شده (تضمینی)؛ تلویزیون گفت که فردا مدارس تعطیل است (التزامی، خود تلویزیون یا بخشی از آن نگفته است، بلکه گوینده خبر یا وزارت آموزش و

۱- در این حالت جناس مرکب رخ داده است.

پرورش از طریق تلویزیون گفته‌اند).

۱۰ نوع دلالت الفاظ زیر را از میان مطابقه، تضمن و التزام، مشخص کنید :

الف) واسئل القرية التي كنا فيها^۱

(پاسخ: التزامی، مردم شهر، خود شهر یا بخشی از آن نیستند).

ب) با ندادن این نامه، خانه خرابم کردی

(پاسخ: التزامی، یعنی بدبخت شدم و به معنای «خراب شدن خانه» یا بخشی از آن نیست).

ج) خانه‌ام نیازمند به تعمیرات کلی است

(پاسخ: تضمنی، بخشی از خانه نیازمند تعمیرات است).

د) باد آورده را باد می‌برد؛

(پاسخ: التزامی، باد آورده به معنای چیزی که با باد آمده است نیست).

ه) گاوم زایید!

(پاسخ: التزامی، یعنی بدبخت شدم و به معنای به دنیا آمدن گوساله نیست).

و) دلالت لفظ درخت بر میوه آن

(پاسخ: اگر میوه را جزء درخت می‌دانید دلالت تضمنی است و اگر نه دلالت التزامی است؛ در

این گونه موارد و مثال‌های بحث برانگیز مشابه، اجازه بحث بیهوده به کلاس ندهید و سریعاً پاسخ‌ها را مانند این مثال دسته‌بندی کنید).

ز) دلالت لفظ خودرو بر راننده آن

(پاسخ: دلالت التزامی، راننده بخشی از خودرو نیست).

۱۱ با به‌کاربردن کلمات زیر در جملات مختلف، آنها را بر اساس بار ارزشی مثبت، منفی و خنثی

دسته‌بندی کنید^۲:

پیش یا افتاده، مبتذل، عادی، معمولی، ساده، جلف، افتضاح، عالی، بی‌نظیر، برجسته، فوق‌العاده

پاسخ:

در این گونه تمرین‌ها، در مواردی جواب نهایی وجود ندارد و کاملاً به جملاتی بستگی دارد که

دانش‌آموزان استفاده می‌کنند. لذا در این موارد وقت خود را صرف دسته‌بندی کلمات نکنید.

۱- آیه ۸۲ از سوره یوسف: «از شهری که در آن بودیم سؤال کن».

۲- این تمرین در کتاب درسی چاپ ۱۳۹۷ به درس دهم منتقل شده است.

مفهوم و مصداق

مدت زمان پیشنهادی

حداکثر دو جلسه

یک جلسه: مفهوم و مصداق، مفاهیم جزئی و کلی، حل تمرین‌ها
یک جلسه: رابطهٔ مصادیق دو مفهوم کلی (نسبت‌های چهارگانه)، استفاده از نسبت‌های چهارگانه
در طبقه‌بندی مفاهیم و حل تمرین‌ها

اهداف کلی درس

- نشان دادن ارتباط ذهن و خارج و رابطهٔ مفهوم و مصداق
- آموختن مفهوم جزئی و کلی
- آموختن رابطهٔ میان مصادیق دو مفهوم کلی (نسبت‌های چهارگانه)
- استفاده از نسبت‌های چهارگانه در طبقه‌بندی مفاهیم

اهداف جزئی درس

- آموختن تفاوت مفهوم و مصداق
- تمایز میان مفاهیم کلی و جزئی
- نسبت‌های چهارگانه، رابطهٔ میان مصادیق دو مفهوم کلی است.
- آموختن نسبت‌های چهارگانه (تساوی، تباین، عموم و خصوص مطلق، عموم و خصوص من وجه).
- در طبقه‌بندی مفاهیم، میان مفاهیم هر طبقه و طبقه بعدی رابطهٔ عموم و خصوص مطلق برقرار است و میان اقسام مختلف یک طبقه، رابطهٔ تباین برقرار است.

موارد زیر برای مطالعه آزادند و در صورت تمایل دبیر تدریس می‌شوند :

■ نسبت‌های چهارگانه و مجموعه‌ها

در این کادر به رابطه نسبت‌های چهارگانه در منطق و نظریه مجموعه‌ها در ریاضیات اشاره شده است. دانش‌آموزان با بحث مجموعه‌ها در سطحی که در صفحه ۲۵ کتاب آمده است، در پایه نهم آشنا هستند. گرچه ممکن است برخی از دانش‌آموزان به دلیل بی‌علاقگی به ریاضیات به این بخش توجه نکنند، اما به‌طور غیرمستقیم متوجه مبانی ریاضیاتی منطق می‌شوند.

■ یادآوری

\cap علامت اشتراک دو مجموعه θ علامت مجموعه تهی

\cup علامت اجتماع دو مجموعه \subset علامت زیرمجموعه

■ پاسخ تمرین :

تساوی $A \cap B = A = B, A \cup B = A = B$

تباین $A \cap B = \emptyset$

عموم و خصوص من وجه $A \cap B = C$

عموم و خصوص مطلق $A \cap B = A, A \cup B = B (A < B)$

■ مفاهیم کلی ذاتی و عرضی

به دلیل آنکه کتاب منطق نسبت به سال‌های قبل، در یک پایه پایین‌تر (پایه دهم) تدریس می‌شود و لازم است مطالب آن کمی ساده‌تر شود؛ همچنین از آنجا که دیگر این درس در کنار فلسفه تدریس نمی‌شود و دانش‌آموزان هنوز ذهنیتی درباره مباحث فلسفی ندارند، بحث ذاتی و عرضی که اصالتاً بحثی فلسفی است، به‌صورت مطالعه آزاد نوشته شده است تا دبیران بسته به سطح کلاس و فرصتی که در طول سال دارند، به آن توجه کنند. در بخش تعریف نیز درس به نحوی تنظیم شده است که تنها مخصوص تعاریف فلسفی نباشد و در همه رشته‌ها کاربرد داشته باشد؛ لذا بحث ذاتی و عرضی در آنجا نیز در بخش ستاره‌دار مطرح شده است.

چنان‌که می‌دانیم تشخیص ذاتی و عرضی یک امر، بر عهده منطق‌دان نیست و در هر زمینه لازم است تا ذاتی امور از متخصصان آن رشته سؤال شود. لذا در این موارد لازم نیست که دبیر منطق پاسخ تمامی سؤالات دانش‌آموزان را درباره ذاتیات امور مختلف بداند.

چنان که می‌دانیم ذاتی و عرضی، اموری نسبی هستند؛ بدین معنا که شوری برای نمک ذاتی و برای آب عرضی است. لذا در سؤال از ذاتی و عرضی بودن باید پرسید که چه چیزی نسبت به چه چیزی ذاتی یا عرضی است.

گفتنی است که کلیات خمس توسط ارسطو مطرح نشده بود و بعدها توسط فرفوربوس به عنوان مدخلی برای بحث تعریف، به منطق افزوده شد.

از آنجا که از میان دانش‌آموزان علوم انسانی، تنها تعداد محدودی در رشته دانشگاهی فلسفه تحصیل خواهند کرد و سراسر کتاب‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، فقه و حقوق و ... آکنده از تعریف‌های غیرذات‌گرایانه است، لذا لازم بود تا بخش تعریف نیز در کتاب درسی مورد بازنگری جدی قرارگیرد و مطالب آن کاربردی شود.

باید توجه داشت که اصرار بیش از حد بر تعریف به ذاتیات در نزد مشائیان، و عدم توجه به نوآوری‌های شیخ اشراق و ملاصدرا در تعریف مفهومی، می‌تواند مصداقی از سخنان ابن سینا در مقدمه کتاب منطق المشرقیین باشد. وی می‌نویسد (صفحه ۳):

«وقتی دیدیم که دانش‌پژوهان، وابستگی شدیدی به مشائیان یونانی دارند، دوست نداشتیم وحدت را بر هم بزنیم و با همگان مخالفت کنیم... پس اگر مخالفت خود را با آنان آشکار کردیم، در مواردی بود که نمی‌شد تحمل کرد... نادانان در سخنان مشهوری که نزد آنها است شک نمی‌کنند، ولی در وجود روز آشکار شک می‌کنند».

حکایت

(لباس، ذاتی انسان نیست.)



می‌گویند انیشتین به لباس شیک توجهی نداشت. روزی یکی از دوستانش از او پرسید: چرا برای خودت لباس شیکی نمی‌خری؟ انیشتین پاسخ داد: چه احتیاجی است؟ اینجا که همه مرا می‌شناسند و می‌دانند من که هستم! تصادفاً همان دوست در شهر دیگری با انیشتین روبه‌رو شد و دوباره از او همان پرسش را کرد. انیشتین پاسخ داد: چه احتیاجی است؟ اینجا که کسی مرا نمی‌شناسد!

▪ بحث ذاتیات در منطق

در تدریس مبحث ذاتیات در منطق، لازم است به نکات زیر توجه کرد:

۱ تعیین ذاتیات اشیا با منطق‌دان نیست، بلکه با متخصصان رشته‌های مختلف است. لذا عملاً در کلاس تنها می‌توان مثال‌ها و تمرین‌های محدودی ارائه کرد.

۲ در سایر علوم به ذاتیات توجه نمی‌شود. بنابراین آنچه آموزش داده می‌شود، عملاً در علوم دیگر به کار گرفته نمی‌شود. حتی از آنجا که بیشتر مفاهیم فلسفی معقول‌ثانی هستند، اکثر تعریف‌های فلسفی از این نوع به شمار نمی‌آیند.

۳ تشخیص ذاتی از عرضی لازم دشوار است و بدین جهت در مثال‌ها بیشتر از ریاضیات که خودمان مفاهیم آن را تعریف کرده‌ایم، استفاده می‌کنیم. مانند سه زاویه داشتن مثلث و زوجیت برای عدد چهار.

▪ تذکر

بحث از ذات و ذاتیات و جوهر داشتن اشیا بحثی فلسفی (مابعدالطبیعی) و عمیق و دقیق است. آنچه در اینجا نقد شده است، معرفت‌شناختی ذاتیات است که عملاً قابل‌اكتناهِ (دستیابی) نیست. حتی فلاسفه نیز فصل منطقی را بدل از فصل حقیقی معرفی می‌کنند و تصریح کرده‌اند که شناخت فصل حقیقی اشیا دشوار است.

اصطلاحات درس و پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان

دانش‌آموزان در کتاب ریاضی پایه نهم با مفهوم مجموعه‌ها و نمایش آنها از طریق نمودار وین آشنا شده‌اند.	پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان
دانش‌آموزان در کتاب علوم تجربی پایه نهم با ملاک گروه‌بندی جانداران و روش تقسیم‌بندی با عنوان «کلید شناسایی دو راهی» آشنا شده‌اند.	
مفهوم؛ مصداق؛ مفهوم جزئی؛ مفهوم کلی؛ رابطه تساوی؛ رابطه تباین؛ رابطه عموم و خصوص مطلق؛ رابطه عموم و خصوص من وجه؛ (* ذاتی)؛ (* عرضی)؛ (* کلیات پنجگانه)؛ (* جنس)؛ (* فصل)؛ (* نوع)؛ (* عرض خاص)؛ (* عرض عام)	اصطلاحات جدید درس

مفهوم و مصداق

درس با معرفی مفهوم و مصداق آغاز می‌شود. مفهوم همان تصور است که در درس اول با آن آشنا شدند. باز هم یادآوری می‌شود که در سطح این کتاب مفاهیم زیر معادل یکدیگرند:

تصور = مفهوم = معنا = صورت ذهنی = ادراک ساده بدون حکم

مفهوم جزئی و مفهوم کلی

بحث جزئی و کلی یکی از بحث‌های دامنه‌دار و اختلاف برانگیز منطقی است که حتی امروزه نیز میان منطق‌دانان مورد بحث است. لذا این کتاب، به عنوان کتابی آغازین در زمینه منطق از یک قرارداد استفاده کرده است تا دانش‌آموزان گرفتار بحث‌های دامنه‌دار در این زمینه نشوند. در سطح این کتاب تنها تمایز ساده جزئی از کلی مورد نظر است تا در مباحثی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، به کار گرفته شوند.

کاربردهای بحث جزئی و کلی در منطق

بحث تمایز جزئی از کلی در موارد زیر در کتاب استفاده می‌شود:

- ۱ نسبت‌های چهارگانه میان دو مفهوم کلی شکل می‌گیرند.
- ۲ تعریف از طریق مفاهیم کلی شکل می‌گیرد.
- ۳ تشخیص قضیه شخیصیه از محصوره از طریق جزئی یا کلی بودن موضوع قضیه به دست می‌آید.
- ۴ در بحث سور جزئی و کلی از این مفاهیم استفاده می‌شود.
- ۵ در تعریف انواع استدلال (تمثیل، استقرا و قیاس) از جزئی و کلی استفاده می‌شود.
- ۶ قوانین علمی به صورت قضایای کلی بیان می‌شوند.

■ نکاتی درباره تمایز جزئی از کلی

در این کتاب ملاک زیر در مورد نحوه تشخیص کلی از جزئی در نظر گرفته شده است :

تنها اسامی خاص یا کلماتی که با صفات اشاره (این و آن) همراه شده‌اند، جزئی هستند و سایر کلمات کلی به شمار می‌آیند.

■ در بررسی کلمات مرکب (مضاف و مضاف‌الیه و صفت و موصوف) همواره به کلمه اول توجه می‌کنیم و بر اساس آن جزئی یا کلی بودن آنها را تعیین می‌کنیم؛ مانند: «کتاب علی» (کلی)؛ «این کتاب علی» (جزئی)؛ «میز این کلاس» (کلی)؛ «این میز کلاس» (جزئی).

پس از حل کردن تمرین کلاسی، می‌توانید از موارد زیر در پاسخ به سؤالات دانش‌آموزان استفاده کنید. بهتر است تا زمانی که از مطالب زیر در کلاس سؤال نشده است، آنها را بیان نکنید تا ذهن دانش‌آموزان بیش از حد لازم در سطح این کتاب درگیر بحث نشود :

نکته ۱: به مثال‌های زیر توجه کنید :

یک شوهر مریم خانم مفهومی کلی است (البته کلی بودن این مفهوم را می‌توان به صورت شرعی نیز نشان داد؛ زیرا مریم خانم ممکن است چند بار ازدواج کرده و شوهرهایش فوت کرده یا طلاق گرفته باشند).

دو گرچه عقل و استدلال ثابت می‌کنند که شریک خداوند یا معدوم مطلق وجود ندارند؛ اما مفاهیمی کلی هستند.

نکته ۲: وقتی شما می‌گویید «پدر من» برای شما فردی کاملاً مشخص یعنی «این پدر» به ذهن می‌آید؛ ولی برای شنونده پدر شما می‌تواند پولدار باشد، فقیر باشد، بلندقد باشد، کوتاه قد باشد، و... بنابراین این گونه کلمات نیز کلی هستند؛ مگر با قرینه‌ای بدانیم که مراد «این فرد خاص» است.

نکته ۳: القاب و عناوین تاریخی گرچه در طول تاریخ برای افراد خاصی وضع شده‌اند؛ اما اسم خاص نیستند و جزئی به شمار نمی‌آیند (مگر آنکه در موردی به اسم خاص تبدیل شده باشند). لذا «رهبر کبیر انقلاب» و «ضامن آهو» مفاهیمی کلی هستند.

نکته ۴: این و آن به دلیل آنکه اشاره حسی ایجاد می‌کنند، مفهوم را جزئی می‌کنند؛ اما «من» و

«تو» تنها متعلق را بیان می‌کنند و جزئی نمی‌کنند؛ مثلاً «کتاب من» به این معناست که کتاب مال من است؛ ولی آن را جزئی نمی‌کند.

نکته ۵: یکی از اشتباهات رایج در بحث کلی و جزئی، خلط میان مفهوم کلی و جزئی و مفهوم معرفه و نکره است؛ به عنوان مثال باید توجه داشت که «علی» معرفه و جزئی است، اما «کتاب علی» گرچه معرفه است، اما مفهومی کلی است. بنابراین در بحث کلی و جزئی به معرفه و نکره بودن توجه نشود (هر معرفه‌ای لزوماً جزئی نیست).

نکته ۶: یک مجموعه مشخص، جزئی است؛ مثلاً «این کتاب‌ها»، «این ماه»؛ بنابراین آمدن ادات جمع «ها» درباره «این کتاب‌ها» آن را کلی نمی‌کند. یا سی عضو داشتن یک مجموعه مشخص، باعث نمی‌شود که خود مجموعه کلی شود.

حتی در عبارت «این کتاب‌ها خواندنی هستند» در واقع به چند کتاب مشخص اشاره کرده و برای سادگی بیان و به جای آنکه بگویید: این کتاب و این کتاب و این کتاب خواندنی هستند، گفته است: «این کتاب‌ها خواندنی هستند»؛ لذا بازم «این کتاب‌ها» جزئی است.

نکته ۷: جمع بودن کلمه، لزوماً به معنای کلی یا جزئی بودن آن نیست؛ مثلاً «کتاب‌های کتابخانه دو هزار جلد هستند»، جزئی است و «کتاب‌های کتابخانه خواندنی هستند»، کلی است.

نکته ۸: امروز به معنای «این روز» است و جزئی است.

نکته ۹: گاهی ضمائر «این» و «آن» در جمله محذوف‌اند؛ لذا کاربرد کلمات در جملات می‌توانند جزئی یا کلی بودن آنها را مشخص کنند؛ به عنوان مثال «همسر من» ممکن است در جمله‌ای کلی و در جمله‌ای به معنای «این همسر من» باشد و جزئی به شمار آید. در صورتی که در جملات کلی یا جزئی بودن کلمه‌ای را می‌پرسید، توضیحات دانش‌آموزان مهم است و در صورتی که بیرون از جملات سؤال می‌کنید، تنها قرارداد ذکر شده در کتاب، ملاک خواهد بود.

نکته ۱۰: هرچه قید بر سر مفهوم کلی اضافه شود، آن را جزئی نمی‌کند (جزئی نه کاسب است و نه مکتسب)^۱. مگر آنکه ضمائر اشاره این و آن را در ابتدای آن اضافه کنیم؛ مثلاً دبیر دبیرستان دخترانه نرگس در پایه دهم رشته علوم انسانی... همچنان کلی است.

نکته ۱۱: خود ضمائر «این» و «آن» و «من» و «تو» از بحث ما خارج‌اند و به آنها نمی‌پردازیم؛ این

۱- جزئی کاسب نیست، یعنی با مفاهیم جزئی نمی‌توان مفهوم کلی را تعریف کرد و جزئی مکتسب نیست، یعنی هر قدر به مفهوم کلی قید بیفزاییم، به مفهوم جزئی نمی‌رسیم.

کلمات به دو اعتبار مختلف می‌توانند جزئی یا کلی باشند؛ مثلاً «من» می‌تواند یک لفظ کلی باشد؛ مانند:

«زین دو هزاران من و ما ای عجباً من چه منم؟»

یا جزئی باشد؛ مانند:

«من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید قفسم برده به باغی و دلم شاد کنید»

در این سطح از دانش آموزان، طرح سؤال از کلی یا جزئی بودن سه کلمه «این»، «آن» و «من» ممنوع است و توضیحات فوق تنها جهت اطلاع دبیران محترم و برای پاسخ‌گویی به سؤال احتمالی برخی دانش‌آموزان ذکر شده است.

نکته ۱۲: اسامی خاص را جزئی می‌دانیم؛ زیرا وضع آنها در هر مورد به صورت خاص و جزئی صورت گرفته است؛ یعنی حسن بودن نام فرزند شما، ربطی به حسن بودن نام فرد دیگری ندارد (حتی اگر برای تبرک و به خاطر نام مبارک امام حسن مجتبی علیه السلام نام فرزند خود را حسن گذاشته باشید) یا اگر همه شهرهای دنیا «میدان آزادی» داشته باشند، میدان آزادی اسم خاص و جزئی است؛ زیرا برای آن در هر بار، وضع جداگانه‌ای صورت گرفته است.

نکته ۱۳: افراد معمولاً «کلی واحد المصداق» را با جزئی اشتباه می‌گیرند. باید توجه داشت که تعداد مصادیق فعلی یا گذشته و آینده، ملاک جزئی بودن یا کلی بودن نیست؛ بلکه صرفاً امکان فرض کردن مصداق دیگر مهم است. لذا محدود بودن مصادیق یا حتی واحد بودن به معنای جزئی بودن نیست. به همین دلیل است که «کتاب من» گرچه ممکن است یک مصداق داشته باشد؛ اما مفهومی کلی است.

نکته ۱۴: طبق قرارداد این کتاب، کلمات داخل گیومه به لفظ آنها اشاره دارد نه به مفهوم یا معنای آن. لفظ حسن را به صورت «حسن» می‌نویسیم؛ مانند: «حسن» سه حرف دارد.

نکته ۱۵: اسامی سیارات منظومه شمسی (مانند مریخ) که اسامی خاص هستند؛ جزئی به شمار می‌آیند؛ اما طبق قرارداد، خورشید و ماه را اسم خاص نمی‌دانیم و صفت یک ستاره نورانی (خورشید) و یک سیاره که به دور سیاره دیگر می‌گردد (مانند اقمار مشتری) می‌دانیم. لذا خورشید و ماه کلی هستند؛ مثلاً «در کهکشان‌های دیگر هزاران خورشید وجود دارد». در اینجا خورشید؛ یعنی ستاره نورانی دارای سیاره و مفهومی کلی است. یا «مشتری چهار قمر (ماه) دارد» که در اینجا «ماه» (قمر) به معنای سیاره‌ای است که به دور سیاره دیگری می‌چرخد و مفهومی کلی به شمار می‌آید. بر این اساس مولوی می‌نویسد:

می‌توان هم مثل آن تصویر کرد

شمس در خارج اگر هست فرد

نکته ۱۶: اسامی افراد و قهرمان‌های خیالی مانند سیندرلا، بتمن و... اسم خاص و جزئی‌اند. اما انواع خیالی موجودات مانند سیمرغ و عنقا و... کلی هستند.

تفاوت کل و کلی

کل در مقابل جزء قرار دارد و کلی در مقابل جزئی.

منطق‌دانان برای فهم بهتر تفاوت میان کل و کلی به نکاتی اشاره می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱ کل از اجتماع اجزای خود و پس از شکل‌گیری آنها پدید می‌آید (مثلاً ساعت پس از درست شدن عقربه و صفحه و باطری و... شکل می‌گیرد)؛ اما رابطه کلی با جزئی این‌گونه نیست.

۲ کل بدون جزء بی‌معناست و با از بین رفتن اجزایش از میان می‌رود؛ ولی کلی می‌تواند هیچ مصداق جزئی نداشته باشد. مانند مفهوم کلی شریک خداوند یا ممکن است مصادیق آن همه از بین بروند؛ مانند مفهوم دایناسور.

جهت مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

خوانساری، محمد، منطق صوری، مبحث کلیات، فرق کل و کلی.

رابطه میان مصداق دو مفهوم کلی

چنان‌که در عنوان این مبحث در کتاب آمده است، در این مبحث رابطه میان «مصداق» دو مفهوم کلی مورد نظر است؛ لذا در مثال‌ها به مصداق آنها توجه کنید. در بحث نسبت‌های چهارگانه (نسب اربع)، از دانش‌آموزان بخواهید که حتماً شکل رسم کنند. برای نشان دادن مصداق می‌توان از ضربدر استفاده کرد. همچنین با هاشور زدن می‌توان حیطه یک مفهوم را روی شکل مشخص کرد.



مثال:

جزئی حقیقی و اضافی

جزئی حقیقی در مقابل مفهوم کلی قرار دارد؛ اما جزئی اضافی، مفهومی است که در نسبت با مفهومی کلی تر از آن در نظر گرفته شده است؛ مانند انسان در نسبت با حیوان.

نسبت جزئی حقیقی و اضافی از میان نسب اربع، عموم و خصوص مطلق است؛ بدین نحو که هر جزئی حقیقی، در نسبت با مفاهیم کلی تر از خود، جزئی اضافی نیز هست؛ نه برعکس. به عنوان مثال انسان جزئی اضافی است؛ اما خسرو هم جزئی حقیقی است و هم در نسبت با انسان، جزئی اضافی است.

مصادیق یک مفهوم گاهی جزئی حقیقی است؛ مانند حسن و رضا که مصادیق انسان هستند و گاهی جزئی اضافی است؛ مانند مرد و زن. در تصاویر نسبت‌های چهارگانه در صفحات ۲۴ و ۲۵ مصادیق ذکر شده جزئی اضافی اند، اما می‌توان در این موارد مثال‌هایی با جزئی حقیقی نیز بیان کرد.

خلط میان کل و کلی در بحث نسب اربع

تفاوت میان «جزء و کل» و «جزئی و کلی» که پیش از این به آن اشاره شد، در مبحث نسب اربع اهمیت دارد و گاه باعث ایجاد اشتباهاتی حتی از سوی برخی از دبیران می‌شود. به عنوان مثال به موارد زیر توجه کنید:

- رابطه چرخ و ماشین از میان نسب اربع تباین است، نه عموم و خصوص مطلق.
- رابطه شیر و ماست از میان نسب اربع تباین است، نه عموم و خصوص مطلق.

■ پس از آموزش مبحث انواع قضایای محصوره (درس ششم)، مناسب است که رابطه آنها با نسبت‌های چهارگانه مشخص شود و در آن زمان به این مبحث بازگردید (تمرین شماره ۴ تکمیلی درس ششم همین مطلب را از دانش‌آموزان خواسته است).

ذهن تصویری و ذهن غیر تصویری دانش آموزان

بیشتر دانش آموزان از طریق رسم تصویر به سادگی نسب اربع را درک می کنند؛ اما برای تعداد محدودی از آنها که ذهن تصویری ندارد، می توان از سه قضیه زیر کمک گرفت :

۱ هر الف ب است. ۲ هر ب الف است. ۳ هیچ الف ب نیست.

در صورتی که دو قضیه نخست برقرار باشند، رابطه تساوی برقرار است.

در صورتی که رابطه سوم برقرار باشد، رابطه تباین برقرار است.

در صورتی که فقط یکی از دو رابطه اول برقرار باشد، رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است.

در صورتی که هیچ یک از سه رابطه برقرار نباشد، رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است.

مجدداً تذکر داده می شود که رسم دوایر، برای بیشتر دانش آموزان مفیدتر است.

کاربردهای نسبت های چهارگانه در منطق

نسبت های چهارگانه اهمیت زیادی در منطق دارند و در مباحث مختلفی به کار می روند؛ مانند :

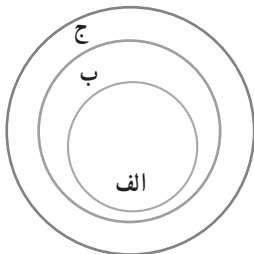
۱ طبقه بندی مفاهیم (که در ادامه درس به آن اشاره شده است).

۲ شرایط تعریف (تعریف باید مساوی با آنچه تعریف می کنیم باشد، نه مباین و نه عموم و خصوص

مطلق و نه عموم و خصوص من وجه با آن).

۳ در اثبات قواعد منطقی مانند نفیض، عکس مستوی، تداخل و اثبات ضروب معتبر قیاس.

به عنوان نمونه به کمک تصویر زیر، به سادگی می توان اعتبار استدلال زیر را مشخص کرد :

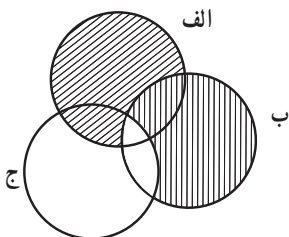


هر الف ب است.

هر ب ج است.

∴ هر الف ج است.

همچنین از طریق نمودار ون نیز می‌توان اعتبار یک قیاس را بررسی کرد؛ مانند:



هر الف ب است.

هر ب ج است.

∴ هر الف ج است.

جهت مطالعه در این زمینه نگاه کنید به:
نبوی، لطف‌الله، مبانی منطق و روش‌شناسی.

■ استفاده از نسبت‌های چهارگانه در طبقه‌بندی مفاهیم

در طبقه‌بندی مفاهیم علوم مختلف نیازمند نسبت‌های چهارگانه منطق هستیم؛ چنان که گفته‌اند:
«از جمله علوم ضروریه مرطیب را علم منطق است و آن که کدام مزاج تحت کدام مزاج و کدام مرض تحت کدام مرض است و تقسیم امراض و مانند آن»^۱.
این بحث، به‌طور عملی کاربرد نسب اربع را به دانش‌آموزان نشان می‌دهد و آنها را برای مبحث تعریف آماده می‌کند.

دانش‌آموزان در فصل یازدهم کتاب علوم تجربی پایه نهم (با عنوان: گوناگونی جانداران) باروش انجام گروه‌بندی و طبقه‌بندی آشنا شده‌اند (مطالب این صفحات به‌صورت ضمیمه در انتهای کتاب آمده است).
در این صفحه از کتاب، تقسیم‌بندی جدید از موجودات بیان شده است. به نظر می‌رسد دلیلی بر استفاده از تقسیم‌بندی موجودات در زمان ارسطو وجود ندارد.

حصر عقلی — حصر استقرایی

در یک دسته‌بندی، اگر اقسام به نفی و اثبات تقسیم شوند (نقیض یکدیگر باشند) آن را حصر عقلی یا روش تقسیم ثنایی می‌نامند؛ مانند:

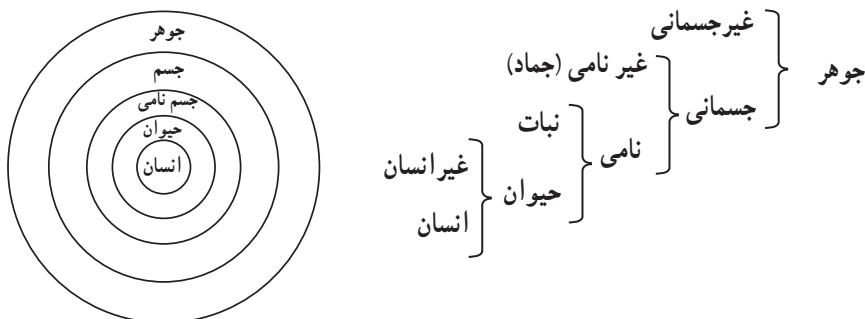
دارای شغل هستند }
مردم کشور }
دارای شغل نیستند }

اما اگر اقسام به نفی و اثبات تقسیم نشوند، آن را حصر استقرایی می‌نامند؛ مانند: کفاش، معلم اصناف کشور عبارت‌اند از: بقال، راننده، نجار و...

۱- عقلی، خلاصة الحکمة، ج ۱، صص ۱۶-۱۵.

نکته ۱: تقسیم باید دارای ملاک و معیار باشد؛ مثلاً تقسیم انسان به ایرانی و مریض تقسیم صحیحی نیست.

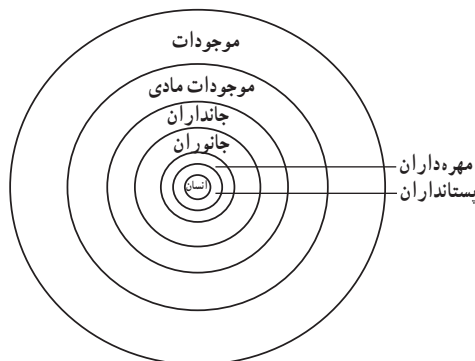
نکته ۲: آنچه در مبحث طبقه‌بندی مفاهیم ذکر شده است، در واقع همان سلسله اجناس و انواع است که به زبانی ساده‌تر و براساس طبقه‌بندی امروزی از موجودات بیان شده است. چنان که در کتاب نیز به اصطلاح «سلسله اجناس» اشاره نشده است، نیازی به ذکر آن در این کتاب نیست و در مبحث تعریف، تنها دانستن طبقه‌بندی مفاهیم کفایت می‌کند. طبقه‌بندی مفاهیم از مفهوم عام به مفهوم خاص‌تر است و میان اقسام رابطه تباین برقرار است. آنچه در این زمینه در کتاب‌های قدیمی‌تر (براساس دانش زیست‌شناسی زمان ارسطو) بیان شده، به صورت زیر است:



تذکره

با پیشرفت علوم، شایسته است که دیران منطق نیز از تقسیم‌بندی جدید و امروزی زیست‌شناسی استفاده کنند که در کتاب ذکر شده است.

رابطه میان دوایر طبقه‌بندی ذکر شده در کتاب به صورت زیر است:



تمرین صفحه ۲۳: مفاهیم جزئی و کلی را مشخص کنید:

خداوند (کلی)	الله (جزئی)	حضرت علی (ع) (جزئی)	مولود کعبه (کلی)	درخت (کلی)	درخت سرو (کلی)
کتاب (کلی)	این کتاب (جزئی)	پسر (کلی)	آن پسر (جزئی)	«پسر» ^۱ (جزئی)	مریخ (جزئی)

مشهد (به معنای محل شهادت) (کلی)
مشهد (نام شهری در استان خراسان رضوی) (جزئی)

تمرین ص ۲۶: با رسم شکل نسبت مفاهیم زیر را مشخص کنید:

آفریقایی - آسیایی (تباين) مسلمان - آسیایی (عموم و خصوص من وجه)
هندي - آسیایی (عموم و خصوص مطلق) مثلث - شکل سه ضلعي (تساوی)

سؤال ۱:

جزئی: میدان آزادی، جبرئیل، ماه، خوشه پروین، خلیج فارس، ابن سینا، این کلاس، نرگس (اسم خاص)

کلی: عدد، خیابان، نرگس (نوعی گل).

سؤال ۲:

الف) حافظ نخست جزئی و حافظ دوم کلی است.

ب) بهمن در هر دو مورد کلی است.

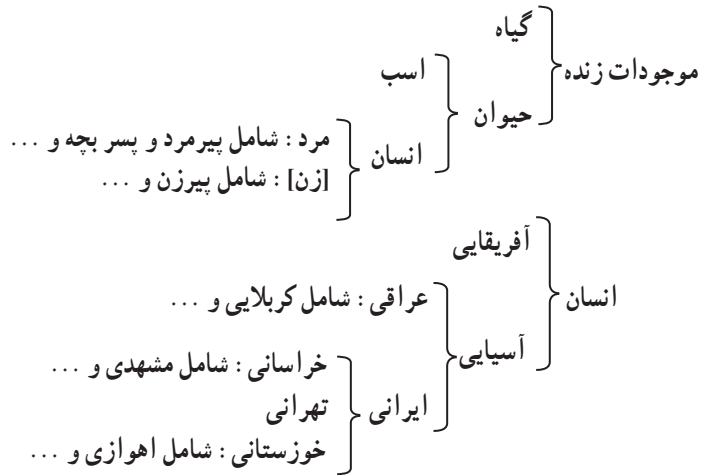
ج) «نجف اشرف» جزئی و «مرقد امامزادگان» کلی است.

۱- درباره «پسر» بهتر بود نوشته می‌شد: لفظ «پسر» (این مطلب در چاپ سال ۱۳۹۷ کتاب به پسر احمد تغییر کرده است که مفهومی کلی است). چنان‌که در پاورقی این صفحه (ص ۲۳) توضیح داده شده است، قرار دادن یک کلمه در گیومه به خود لفظ اشاره دارد.

سؤال ۳ :

شاعر - دانش آموز (عموم و خصوص من وجه)؛ مثلث - دایره (تباين)؛ مثلث - شکل (عموم و خصوص مطلق)؛ فلز مایع - جیوه (تساوی)؛^۱؛ مثلث - مثلث متساوی الاضلاع (عموم و خصوص مطلق)؛ پرنده - سیاه (عموم و خصوص من وجه)؛ شعر - غزل (عموم و خصوص مطلق)؛ موازی - متقاطع (تباين).

سؤال ۴ :



تمرین و تحقیق‌های اضافی پیشنهادی

۱ بر اساس مطالب درس برای عبارات زیر مثال بزنید :

الف) مفهوم جزئی با مفهوم کلی ای که دارای یک مصداق است، متفاوت است.

ب) مفهوم کلی، ممکن است هیچ مصداقی در خارج نداشته باشد.

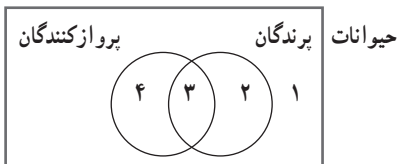
پاسخ :

الف) حسن که مفهومی جزئی است؛ اما مولود کعبه یا تنها پسر من مفاهیمی کلی هستند که تنها

دارای یک مصداق اند.

ب) سیمرخ و یا شریک خداوند مفاهیمی

کلی اند و مصداقی در خارج ندارند.



۱- این مورد در کتاب منطق چاپ ۱۳۹۷ به صورت زیر تغییر کرده است :
عدد قابل تقسیم بر دو - زوج (که رابطه آنها تساوی خواهد بود).

۲ برای هر یک از ناحیه‌های مشخص شده مصداقی ذکر کنید :

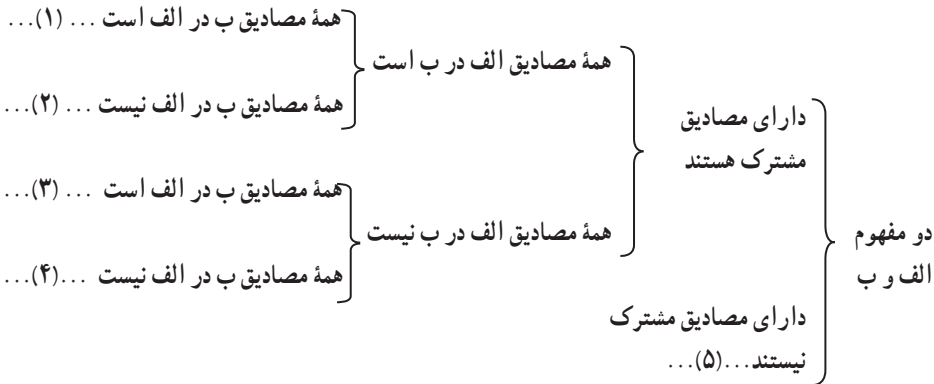
- ناحیه ۱ :
— ناحیه ۲ :
— ناحیه ۳ :
— ناحیه ۴ :

پاسخ :

ناحیه ۱ : اسب ناحیه ۲ : شترمرغ ناحیه ۳ : عقاب

ناحیه ۴ : خفاش (خفاش طبق تعریف‌های جدید زیست‌شناسی پرنده (دارای پر) نیست و با کشیدن پوست خود پرواز می‌کند).

۳ نسبت میان الف و ب را در هر یک از حالات زیر، با رسم شکل از میان نسبت‌های چهارگانه مشخص کنید (در دیاگرام زیر نسبت‌های چهارگانه به صورت حصر عقلی بیان شده‌اند) :



پاسخ :

(۱) تساوی؛ (۲) عموم و خصوص مطلق (الف کوچک‌تر از ب)؛ (۳) عموم و خصوص مطلق (الف بزرگ‌تر از ب)؛ (۴) عموم و خصوص من وجه؛ (۵) تباین.

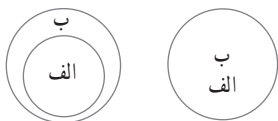
۴ به ازای هر یک از عبارتهای زیر، چند مورد از نسب‌های چهارگانه ممکن است برقرار باشند؟ با رسم شکل بیان کنید.

هیچ الف ب نیست؛ هر الف ب است؛ بعضی الف ب نیست؛ بعضی الف ب است

پاسخ :

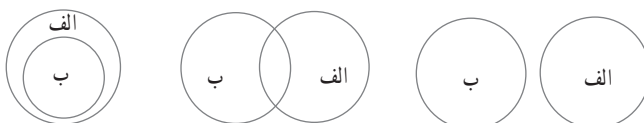


هیچ الف ب نیست (بین الف و ب تنها رابطهٔ تباین برقرار است).

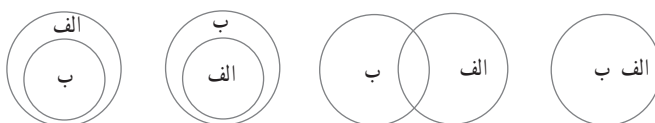


هر الف ب است (بین الف و ب ممکن است رابطه تساوی یا عموم و خصوص مطلقى که الف کوچک تر است، برقرار باشد).

بعضی الف ب نیست (بین الف و ب ممکن است رابطه تباین یا عموم و خصوص من وجه و یا عموم و خصوص مطلقى که الف بزرگ تر است، برقرار باشد).



بعضی الف ب است (بین الف و ب ممکن است رابطه تساوی یا عموم و خصوص من وجه یا عموم و خصوص مطلقى که الف بزرگ تر است یا عموم و خصوص مطلقى که الف کوچک تر است، برقرار باشد).



۵ خصوصیت‌هایی را که قابل جدا شدن از شیء هستند، مشخص کنید :

شوری برای نمک طعام	شوری برای آب	چربی برای روغن	چربی برای برنج
(.....)	(.....)	(.....)	(.....)
شکل بودن برای مثلث	متساوی الاضلاع بودن برای مثلث	موجود زنده بودن برای انسان	شادمان بودن برای انسان
(.....)	(.....)	(.....)	(.....)

پاسخ :

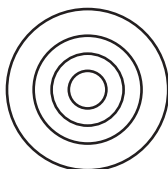
خصوصیات ذاتی : شوری برای نمک طعام؛ چربی برای روغن؛ شکل بودن برای مثلث؛ موجود زنده بودن برای انسان.

خصوصیات عرضی : شوری برای آب؛ چربی برای برنج؛ متساوی الاضلاع بودن برای مثلث؛ شادمان بودن برای انسان.

۶ الف) نسبت میان مفاهیم زیر را با قراردادن آنها روی دایره مناسب، مشخص کنید :

دانش آموزان پایه نهم دبیرستان دخترانه؛ دانش آموز؛ دانش آموز پایه نهم دبیرستان دخترانه استان کرمان؛ دانش آموز پایه نهم.

ب) با توجه به شکل بگویید که هرچه محتوای مفهوم بزرگ تر می شود، تعداد مصادیق بیشتر می شود یا کمتر؟



پاسخ :

الف) ترتیب مفاهیم از عام به خاص عبارت‌اند از :

دانش آموز < دانش آموز پایه نهم < دانش آموز پایه نهم دبیرستان دخترانه < دانش آموز پایه نهم دبیرستان دخترانه استان کرمان

ب) هرچه محتوای مفهوم بزرگ تر می شود، دایره مصادیق کاهش می یابد و هرچه تصور، اجزای کمتری داشته باشد، دایره مصادیق بزرگ تر می شود.

تعریف



و علم منطقی آن علم است که اندر وی پدید شود حال دانسته شدن نادانسته به دانسته، که کدام بود که به حقیقت بود و کدام بود که نزدیک به حقیقت بود و کدام بود که غلط بود و هر یکی چندگونه بود.

(ابن سینا، منطق دانشنامه علائی)

عبارت ذکر شده در صفحه عنوان از گلشن راز شیخ محمود شبستری انتخاب شده است. این کتاب، کتابی منطقی نیست؛ اما به دلیل زیبایی این ابیات و ارتباط آن با مبحث تعریف، در ابتدای این بخش ذکر شده است.

باید توجه داشت که در مبحث تعریف، از ترتیب تصوره‌های معلوم، «تصوری» نامفهوم، مفهوم می‌شود، نه «تصدیقی» نامفهوم. اما شاید بتوان این شعر را این‌گونه توجیه کرد که مراد شاعر بیان عبارت «تصدیق بلا تصور محال است» باشد یا این‌گونه توجیه کرد که نسبت دادن معرف به معرف یک تصدیق پدید می‌آورد و مراد گوینده چنین تصدیقی است.

طراحی آموزشی بخش سوم

این بخش شامل یک درس در زمینه انواع و شرایط تعریف است. درس با بررسی یک مثال آغاز می‌شود و از طریق آن سه نوع تعریف لغوی، تعریف به مثال و تعریف تحلیلی آموزش داده می‌شود. سپس هر یک از این سه نوع تعریف به صورت مجزا بررسی شده است و در نهایت شرایط تعریف صحیح بررسی شده است.

هدف درس، آموزش نحوه و شرایط تعریف صحیح برای استفاده در تمامی علوم است که از طریق تمرین‌های داده شده، این مهارت تقویت می‌شود.

آنچه در این بخش می‌خوانیم

سؤالات مطرح شده در این صفحه به ترتیب^۱:

(۱) تعریف لفظی

(۲) تعریف تحلیلی^۲

(۳) تعریف مصداقی

(۴) تعریف تحلیلی (تعریف حقیقی) و

(۵) تعریف تحلیلی هستند. در این مرحله نیازی به تعیین نوع این تعریف‌ها در کلاس نیست. هدف از بیان آنها نشان دادن اهمیت و حیطة وسیع کاربرد تعریف در زندگی است. دانش‌آموزان بدون اطلاع از اسامی این گونه تعریف‌ها، می‌توانند به سؤالات پاسخ دهند.

اصطلاحات تخصصی بیان شده در این صفحه (گشتاور، فتوسنتز و جلگه) همگی در سال‌های قبل برای دانش‌آموزان تعریف شده‌اند و از دانسته‌های قبلی آنها در کتاب‌های سال‌های قبل هستند و نیازی نیست که دبیر منطق، مجدداً تعریف آنها را یادآوری کند و زمانی را به این کار اختصاص دهد. در صورتی که دانش‌آموزی از تعریف این مفاهیم سؤال کرد، او را به دبیران مربوطه ارجاع دهید و وقتی را برای پاسخ‌گویی به آن اختصاص ندهید؛ زیرا در اینجا فقط اشاره می‌کند که اینها نمونه‌هایی از اصطلاحات تخصصی هستند و تعریف علمی آنها مورد نظر کتاب نیست.

۱- این موارد در کتاب منطق چاپ ۱۳۹۷ حذف شده‌اند.

۲- در سطح این کتاب تعیین روش به کار رفته در تعریف تحلیلی (روش تعریف به عام و خاص یا روش تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی‌ها) مورد نظر نیست. در چاپ سال ۱۳۹۷ کتاب، روش‌های تعریف تحلیلی حذف شده است و نام تعریف تحلیلی نیز به تعریف مفهومی تغییر یافته است.

درس چهارم

انواع و شرایط تعریف

مدت زمان پیشنهادی

سه جلسه^۱

- یک جلسه: تعریف لغوی، تعریف به مثال، تعریف تحلیلی (به عام و خاص)
- یک جلسه: تعریف تحلیلی (تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی‌ها)، شرایط تعریف صحیح
- یک جلسه: مرور درس و حل تمرین‌های باقی مانده.

اهداف کلی درس

- آشنایی با انواع تعریف‌های مفید در زندگی و علوم مختلف
- آشنایی با حیطة کاربرد هر یک از انواع تعریف
- آشنایی با شرایط تعریف صحیح
- آموختن چند مغالطه در حیطة تعریف

اهداف جزئی درس

- آموختن تعریف لغوی
- آموختن تعریف به مثال (تعریف از طریق ذکر مصادیق)
- آموختن تعریف تحلیلی (تعریف مفهومی)
- آشنایی با روش‌های تعریف تحلیلی (تعریف به مفاهیم عام و خاص و تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی‌ها).

- ترکیب انواع تعریف‌ها در استفاده عملی از آنها
- شرایط تعریف صحیح: واضح بودن، جامع بودن، مانع بودن، دوری نبودن.
- آموختن مغالطه تعریف دوری و مغالطه تعریف غلط (عدم رعایت سایر شرایط تعریف)

۱- روش‌های تعریف تحلیلی در کتاب منطق جاب سال ۱۳۹۷ حذف شده است، لذا می‌توان این درس را در زمان کمتری تدریس کرد.

موارد زیر برای مطالعه آزادند و در صورت تمایل دبیر تدریس می‌شوند :

■ **تعریف به حد و رسم**

در این کتاب به دلایل زیر که در درس سوم به برخی از آنها اشاره شد، تعریف به حد و به رسم در کادر ستاره‌دار و برای مطالعه آزاد آمده است :

- ۱ منطق یک سال پایین‌تر تدریس می‌شود و نیازمند ساده‌سازی مطالب هستیم.
- ۲ رویکرد کتاب حاضر، منطق برای همه رشته‌هاست و در علومی مانند حقوق، روان‌شناسی، تاریخ، جغرافیا و... هنگام تعریف، سخنی از یافتن ذاتیات نیست و تعریف‌ها همگی رسمی و برای تمایزند.
- ۳ معمولاً به جز تعریف اشکال هندسی و تعریف اسب به «حیوان شیهه‌کشنده»! و انسان به «حیوان ناطق»، مثال‌های ملموس و کاربردی برای تعریف حدی نمی‌توان ذکر کرد. فلاسفه نیز می‌گویند که فصل منطقی بدل از فصل حقیقی است؛ زیرا فصل حقیقی قابل اکتنا (دستیابی) نیست. (بدین دلیل بهتر است در کتاب دبیرستان که برای عموم نوشته شده است، از مطالبی سخن نگویم که به سادگی قابل دستیابی نیستند. هنگامی که مطلبی را برای دانش‌آموزان تدریس کنیم که توانیم مثال‌های ملموس و کاربردی برای آن نشان دهیم، انگیزه‌ای برای یادگیری در آنها پدید نمی‌آید).
- ۴ همان‌طور که در کتاب آمده است، ابن‌سینا نیز تعریف به ذاتیات را دشوار و بلکه دست‌نیافتنی دانسته است.

۵ در این کتاب لزوماً از تعریف ذاتی استفاده نمی‌شود و دانش‌آموز اجازه دارد در صورتی که شرایط تعریف را رعایت کند، از امور عرضی نیز در تعریف استفاده نماید.

■ **نکته**

در تعریف به عام و خاص اگر از ذاتیات استفاده کنیم، مفهوم عام را جنس و مفهوم خاص را فصل می‌نامند و تعریف را حدی می‌دانند و اگر از ذاتیات و عرضیات استفاده کنیم، مفهوم عام را جنس و مفهوم خاص را عرض خاص می‌نامند و تعریف را به رسم می‌دانند.

در کتاب‌های منطق، تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی‌ها، تعریف به «خاصه مرکبه» نامیده شده است و تعریفی رسمی به شمار آمده است.

■ حکایت پادشاه و ندیم

این حکایت به طور ضمنی به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که گاه، در تعریف برخی از مفاهیم برای مقاصد مختلف سوءاستفاده صورت می‌گیرد.

به عنوان مثال گاهی برخی از اختلاف‌نظرها دربارهٔ میزان تورم در جامعه، میزان رشد اقتصادی، خط فقر و... به اختلاف نظر در تعریف این مفاهیم باز می‌گردد. در برخی از جوامع غربی، گاه با تغییر تعریف این مفاهیم یا تغییر ملاک‌های تشخیص آنها، اعداد و ارقام مورد نظر خود را به مردم ارائه می‌کنند؛ به عنوان مثال کشوری که دارای نظام سرمایه‌داری است و به بیمهٔ همگانی اعتقاد ندارد، می‌تواند تعریف سلامتی را به نحوی ارائه کند که اکثر مردم آن جوامع افرادی سالم به شمار بیایند تا از این طریق نظام اقتصادی خود را توجیه کند.

این حکایت زمینه‌ای برای طرح مغالطهٔ «عقب‌نشینی از تعریف» (عدول از تعریف) یا مغالطهٔ «تغییر تعریف» است که در صورت تمایل دبیر، می‌تواند تدریس شود.

■ اهمیت تعریف در اصطلاحات علمی

از آنجا که یکی از رشته‌های دانشگاهی، رشتهٔ حقوق است، این بخش جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان طراحی شده است. در این بخش با نشان دادن اهمیت مبحث تعریف در علم حقوق، سعی شده است بر کاربرد بودن این مبحث در سایر رشته‌ها (غیر از فلسفه) نشان داده شود. عمده‌اً متن قانون مدنی ذکر شده، دشوار انتخاب شده است تا تقریباً کسی چیزی از آن نفهمد! و در عمل متوجه شوند که تا چه میزان نیازمند مراجعه به اصطلاح‌نامه‌ها و خواندن تعریف مفاهیم هستند. تفاوت اذن و اجازه نیز با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت مشخص می‌شود. در این مورد پاسخ این سؤال برای آموزش منطق چندان اهمیت ندارد و آنچه مهم است توجه یافتن به تفاوت‌های ظریف در برخی از اصطلاحات علمی است که ممکن است از سوی مردم عادی و بی‌اطلاع، با یکدیگر خلط شوند. بدین ترتیب مجدداً اهمیت مبحث تعریف درک می‌شود.

■ تفاوت اذن و اجازه

از نظر حقوقی، در اذن رضایت قلبی لازم است و می‌توان آن را پس گرفت (از آن رجوع کرد). اما از اجازه نمی‌توان رجوع کرد. با جست‌وجو در اینترنت و مراجعه به کتاب‌های حقوقی می‌توان مطالب دیگری در این زمینه به دست آورد.

اصطلاحات درس و پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان

تصور معلوم و مجهول	پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان
تعریف؛ تعریف لغوی؛ تعریف به مثال؛ تعریف تحلیلی؛ (**) تعریف حقیقی؛ (***) تعریف به حد و رسم.	اصطلاحات جدید درس

نکات آموزشی و شیوه تدریس

مبحث تعریف در زندگی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که بسیاری از بحث‌ها و اختلاف نظرها به دلیل نداشتن تعریف مشترک از یک واژه است. هنگامی که در یک بحث، تعریف مفاهیم روشن باشد، رسیدن به فهم مشترک آسان‌تر می‌شود.

مثال ذکر شده در درس را با دانش‌آموزان مرور کنید. به آنها یادآوری کنید که در این درس وارد مبحث تعریف شده‌ایم که یکی از دو بخش اصلی منطق است که در درس اول با آنها آشنا شدید.

تذکر

تعریف یک تصور است (لفظ مرکب ناقص است). در برخی از مثال‌های کتاب از فعل «است» استفاده شده است، که این امر برای راحتی بیان و نزدیکی به بیان طبیعی است و به این معنا نیست که تعریف یک تصدیق است؛ مانند:

انسان: حیوانی است که دارای قدرت تعقل است.

نکته

رویکرد این کتاب در تعریف، براساس آغاز کردن از بدیهیات اولیه نیست؛ بلکه چنان که در درس اول بیان شد، از معلومات آغاز و به مجهولات ختم می‌شود. تمرین شماره ۳ در بخش فعالیت تکمیلی بر این اساس طراحی شده است تا دانش‌آموز متوجه شود هنگامی که مطالبی را می‌داند، لازم نیست برای تعریف امر مجهول از صفر شروع کند و همه چیز را از ابتدا تعریف نماید. به عبارت دیگر، در تعریف، مخاطب اهمیت دارد؛ به عنوان مثال در سطوح بالای فلسفه، ممکن است در تعریف یک مفهوم از مفاهیم تخصصی ناواضح برای عموم استفاده شود که در فلسفه شناخته شده هستند.

■ انواع تعریف

۱ تعریف لغوی: تعریف لغوی (لفظی) را با ذکر مثال‌های کتاب معرفی کنید.

ملاهادی سبزواری دربارهٔ تعریف لفظی (= شرح اللفظ، مای شارحة اللفظ) می‌نویسد:

معنی مای شارحه این است	پاسخ پرسش نخستین است
سائل از این سؤالش ای مهتر	لفظ روشن بخواهد و بهتر
مثل اینکه پرسد عنقا چیست؟	گویی: سیمرغان که پیدا نیست

۲ تعریف به مثال (تعریف از طریق ذکر مصادیق): آن را تعریف مصداقی و تعریف به تشبیه

نیز نامیده‌اند^۱.

توجه کنید که منطق برای استفاده در همهٔ رشته‌ها نوشته شده است، نه فقط برای فلسفه؛ بنابراین این دو نوع تعریف نیز از اهمیت زیادی برخوردارند و بخش زیادی از تعریف‌های روزانه ما را تشکیل می‌دهند. اهمیت این دو تعریف و حیطة کاربرد آنها را یادآور شوید.

در بخش تصور و تصدیق، از این نوع تعریف در معرفی تصور و تصدیق استفاده شده بود.

۳ تعریف تحلیلی (تعریف مفهومی): دبیرانی که با مبحث کلیات خمس و تعریف به حد و رسم آشنایی دارند، توجه کنند که پس از ذکر این مطالب در کتاب‌های منطقی، این نکته ذکر می‌شود که تعریف می‌تواند به عرضیات نیز باشد که آن را نوعی تعریف به رسم می‌دانند. بنابراین تعریف به نحو مطلق، لایشرط از ذکر ذاتیات و عرضیات است و به عبارت دیگر، در تعریف لزوماً نیازی به ذکر ذاتی نیست. بر این اساس کتاب درسی دبیرستان، تعریف را به صورت عام توضیح می‌دهد و وارد بحث ذاتی و عرضی نمی‌شود.

تعریف = بیان خصوصاتی که باعث متمایز شدن یک مفهوم از مفاهیم دیگر شود.

آنچه در بحث تعریف اهمیت دارد، رعایت کردن شرایط تعریف است نه نوع تعریف

■ نکتهٔ ۱: توجه شود که اصطلاح تعریف تحلیلی، برگرفته از فلسفهٔ تحلیلی و به معنای مخالفت با منطق ذات‌گرای ارسطویی نیست؛ بلکه عنوانی است که در کتاب‌های منطق به کار می‌رود و عام‌تر از تعریف حقیقی و غیرحقیقی است و به همین دلیل از این عنوان استفاده شده است^۲.

۱- در کتاب منطق چاپ سال ۱۳۹۷؛ در اینجا تنها به تعریف از طریق ذکر مصادیق اشاره شده است و به تعریف از طریق تشبیه اشاره نشده است.

۲- اصطلاح تعریف در کتاب منطق چاپ سال ۱۳۹۷ کتاب به تعریف مفهومی تغییر یافته است.

■ نکته ۲: مبحث مطرح شده در کتاب مشابه تعریف مفهومی در نظر شیخ اشراق است (نک: یزدان پناه، سید بدالله، حکمت اشراق، ج ۱، ص ۱۸۰).

■ نکته ۳: تعریف تحلیلی بر دو نوع است. در هر دو نوع تعریف، استفاده از مفاهیم ذاتی یا غیرذاتی برای دانش آموزان مجاز است و هدف تعریف تنها تمایز است (هدفی که در تعریف رسمی وجود دارد). بنابراین نیازی به تمایز ذاتی از عرضی نیست.

■ نکته ۴: در تمرین های کتاب نوع تعریف تحلیلی سؤال نشده است و به دلیل دشواری، تشخیص نوع تعریف تحلیلی مورد نظر نیست و نباید در امتحانات و کنکور سراسری از آن سؤال طرح شود.^۱

الف) تعریف به مفاهیم عام و خاص

در صورتی که مفاهیم به کار رفته در این نوع تعریف (تعریف به عام و خاص) از ذاتیات باشند، تعریف را «تعریف حقیقی» می نامند که در فلسفه کاربرد دارد و انواع آن حد تام و حد ناقص و رسم تام و رسم ناقص است. در این کتاب به دلیل مطرح شدن بحث ذاتیات به صورت مطالعه آزاد، تعریف به حد و رسم نیز به صورت مطالعه آزاد معرفی شده اند.

ب) تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی ها^۲

این تعریف در کتاب های منطقی با عنوان «خاصه مرکبه» مطرح شده است. در این نوع تعریف سعی می کنیم که با ساختن «کلی واحد المصداق» مفهوم مورد نظر را تعریف کنیم.^۳

چنان که در راهنمای درس سوم بیان شد، «کلی واحد المصداق» مفهومی کلی است؛ اما تنها یک مصداق در خارج دارد؛ مانند: مولود کعبه.

تعریف تحلیلی به عام و خاص = وجه اشتراک + وجه افتراق (که رابطه عموم و خصوص مطلق باهم دارند).

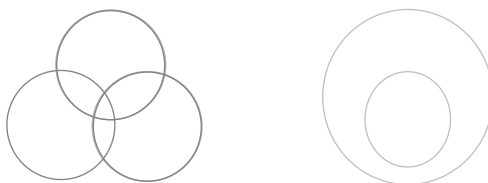
تعریف تحلیلی به سلسله اوصاف و ویژگی ها = مجموعه ای از ویژگی های شیء که باعث متمایز شدن آن از سایر امور می شود (که رابطه عموم و خصوص من وجه باهم دارند).

۱- دو روش تعریف به مفاهیم عام و خاص و تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی ها، دو روش کاملاً مجزای از یکدیگر نیستند و تنها جهت فهم بهتر از یکدیگر تفکیک شده اند. به همین دلیل در امتحان، تعیین روش به کار رفته در تعریف مورد سؤال قرار نمی گیرد.

۲- این مورد در کتاب منطق چاپ سال ۱۳۹۷ حذف شده است.

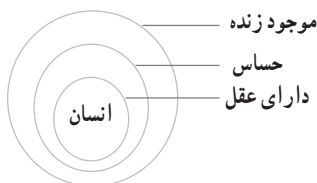
۳- این کار شبیه سیستم موقعیت یاب GPS ماهواره است که دانش آموزان در درس علوم تجربی پایه نهم با آن آشنا شده اند.

■ نکته ۱: در تعریف به عام و خاص، از رابطهٔ عموم و خصوص مطلق استفاده می‌کنیم. در تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی‌ها از رابطهٔ عموم و خصوص من وجه استفاده می‌کنیم.

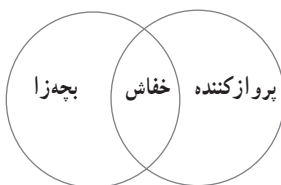


تعریف به مفاهیم عام و خاص تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی‌ها
(جهت مثال به تصاویر ص ۳۳ و ۳۵ کتاب درسی مراجعه شود)

■ نکته ۲: تعریف به مفاهیم عام و خاص لزوماً از دو مفهوم تشکیل نشده است؛ مانند انسان: موجود زندهٔ حساس دارای عقل اما این مفاهیم در دل یکدیگر قرار دارند.



همچنین تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی‌ها لزوماً از بیش از دو مفهوم تشکیل نشده است و ممکن است از دو دایرهٔ متقاطع تشکیل شده باشد:
خفاش: پروازکنندهٔ بچه‌زا (طائر و لود)



■ پاسخ سؤال ص ۳۵

مفاهیم به کار رفته در مربع عبارت‌اند از :

شکل، چهارضلعی، دارای اضلاع مساوی، دارای اضلاع مجاور عمود بر هم

■ نکته ۳ : تعریف کاربردی که در علوم مختلف اهمیت دارد، در ذیل تعریف تحلیلی قرار دارد و اوصاف و ویژگی‌های عملی (عوارض) اشیا را بیان می‌کند؛ مثلاً تعریف اسید به مایعی که کاغذ تورنسل را قرمز می‌کند.

همچنین پاسخی که دانش‌آموزان در پاسخ از کاربرد چراغ راهنمایی و یا مایع سفیدکننده در صفحه ۳۰ بیان می‌کنند، تعریف‌هایی کاربردی‌اند.

■ تذکر

هنگامی که تنها سؤال از نوع تعریف است، نباید تعریف غلط به دانش‌آموزان داده شود.

اما هنگامی که سؤال از شرایط تعریف است، می‌توان تعریف غلطی را برایشان مطرح ساخت و در ادامه نوع تعریف را نیز سؤال کرد.

■ حیطة کاربرد و محدودیت‌های انواع تعریف

هر یک از انواع تعریف، دارای کاربردهای ویژه و محدودیت‌هایی هستند که به مواردی از آنها اشاره می‌شود :

تعریف لغوی درباره اصطلاحات علمی مفید نیست.

در مواردی که مثالی از شیء در دسترس نیست، تعریف به مثال کارآمد نیست.

مفاهیمی را که عام‌تر از آنها وجود ندارند، نمی‌توان به روش عام و خاص تعریف کرد. مفاهیمی همچون : وجود، شیء، وحدت و مانند آن.

■ ترکیب انواع تعریف با یکدیگر

همانند مثال کتاب می‌توان از ترکیب سه نوع تعریف معرفی شده در کتاب، تعریف کامل‌تری را ارائه کرد.

روش‌های تعریف

امروزه در علم منطق، بر اساس کاربردها و نوع مفاهیم مختلف از روش‌های متفاوتی استفاده می‌شود که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

تعریف به مترادف	}	تعریف‌های لغوی
تعریف ریشه‌شناختی		
تعریف به سلسله اوصاف	}	تعریف‌های مفهومی
تعریف از طریق عام و خاص		
تعریف اشاره‌ای (اشاری)	}	تعریف‌های مصداقی
تعریف شمارشی (تعریف فرد شمار)		
تعریف از طریق ذکر زیرمجموعه‌ها (تعریف صنف شمار)		
		تعریف عملکردی

جهت مطالعه بیشتر نگاه کنید به: خندان، منطق کاربردی.
نبوی، مبانی منطق و روش‌شناسی.

▪ شرایط تعریف صحیح

اشکال تعریف‌های ذکر شده عبارت‌اند از:

▪ تعریف هوا به اسطقس واضح نیست.

▪ تعریف دانشگاه جامع نیست زیرا شامل دانشگاه‌های علوم پزشکی که زیر نظر وزارت بهداشت هستند نمی‌شود.

▪ تعریف مربع مانع نیست زیرا شامل لوزی و هر شکل چهارضلعی با ضلع‌های نابرابر و غیرعمود برهم می‌شود.

▪ تعریف علت به معلول و معلول به علت، تعریف دوری است.

آنچه در تعریف اهمیت دارد، شرایط تعریف صحیح است، نه نوع تعریف که پیش از این بیان شد. شرایط تعریف صحیح را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:

۱ تعریف واضح‌تر از آنچه تعریف می‌کنیم، باشد.

۲ رابطه تعریف و آنچه تعریف می‌شود، تساوی باشد (نه اعم باشد، نه اخص باشد و نه میان).

۳ تعریف دوری نباشد.

اینکه تعریف نباید مبین مفهوم مورد نظر باشد، امری بدیهی است؛ به عنوان مثال در بیان شرایط پاسخ مناسب به یک سؤال نمی‌گوییم: اولاً پاسخ باید مربوط باشد! مربوط بودن تعریف نیز امر واضح است. اما باید توجه داشت که در برخی از تعریف‌ها، توجه به این شرط نیز اهمیت پیدا می‌کند؛ به عنوان مثال اگر در تعریف حسد، تعریف غبطه ذکر شود که با یکدیگر متفاوت هستند، اما تمایز آنها بسیار ظریف است، این تعریف به متباین خواهد بود.

دربارهٔ واژه‌های دشوار و کلمهٔ اسطقس (عنصر) که در کتاب مطرح شده است، می‌توان به افسانه‌ای دربارهٔ میرداماد اشاره کرد. نیماوشیخ این داستان معروف را به نظم درآورده است:

میرداماد شنیدستم من	که چو بگزید بن خاک وطن
بر سرش آمد و از وی پرسید،	ملک‌قبر که من رُبُک، مَن؟
میر بگشاد دو چشم بینا	آمد از روی فضیلت به سخن
اسطقسی است بدو داد جواب	اسطقسات دیگر زو متفن
حیرت افزودش از این حرف ملک	برد این واقعه پیش ذوالمن
که زبان دگر این بندهٔ تو	می‌دهد پاسخ ما در مدفن
آفریننده بخندید و بگفت	تو از این بندهٔ من حرف مزن
کاو زمانی که در آن دنیا بود	حرف‌ها زد که نفهمیدم من!

تعریف نباید دوری باشد. در کتاب‌های منطق دور به صریح و مضمّر (آشکار و پنهان) تقسیم می‌شود که هر دو باطل هستند. اما نوع دیگری از دور وجود دارد که باطل نیست و آن را «دور معی» می‌نامند. به عنوان مثال تعریف متضایفان باید به صورت هم‌زمان صورت گیرد؛ مثلاً پدر و فرزند که از نظر منطقی دو مفهوم متضایف هستند، را باید به طور هم‌زمان تعریف کرد؛ مثلاً گفت: مردی که در تولد انسانی نقش دارد، پدر و بچه را فرزند او می‌نامند. در این تعریف به طور هم‌زمان (به نحو دور معی) هر دو اصطلاح با یکدیگر تعریف شده‌اند.

در این کتاب از اصطلاحات معرّف و معرّف استفاده نشده است. آموزش دادن اصطلاحاتی که می‌توان با کلمات ساده‌ای نظیر «تعریف» و «آنچه تعریف می‌کنیم»، جایگزین کرد، تنها ذهن دانش‌آموزان را بیهوده مشغول می‌کند.

تعریف به ذاتیات در نظر ملاصدرا و شیخ اشراق

همان گونه که در کتاب آمده است، ابن سینا در مقدمه رساله حدود، تعریف به حد و رسم را دشوار و تقریباً دست نیافتنی دانسته است. پس از وی، ملاصدرا و شیخ اشراق با منطق ذات‌گرای ارسطویی مخالفت کرده‌اند و تعریفی با عنوان «تعریف مفهومی» ارائه کرده‌اند که به نوعی همان تعریف به خاصه مرکبه است.

در این کتاب که براساس «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» تألیف شده و در آن بر نگرش ملاصدرا تأکید شده است، از تعریف حدی فاصله گرفته شده است و «تعریف تحلیلی» ذکر شده، در حقیقت همان «تعریف مفهومی» مورد تأکید ملاصدرا و شیخ اشراق است.

جهت مطالعه بیشتر نگاه کنید به :

— یزدان پناه، حکمت اشراق (۱). — فرامرز قراملکی، مقدمه بر تصحیح التفتیح ملاصدرا.

پاسخ فعالیت‌های کلاسی

تمرین صفحه ۳۶ : نوع تعریف‌های زیر را مشخص کنید :

نبی : تعریف لغوی؛ نبی : تعریف به مثال؛ نبی : تعریف تحلیلی (مفهومی)؛ بیماری‌های ویروسی : تعریف به مثال؛ سوبسید : تعریف لغوی؛ مسجد : تعریف تحلیلی (مفهومی)؛ خانه : تعریف به مثال؛ قضیه : تعریف تحلیلی^۱؛ انسان : تعریف تحلیلی (مفهومی).

تمرین صفحه ۳۹ : ایراد تعریف‌های زیر را بیان کنید :

انسان : مانع اغیار نیست. حیوان راست قامت شامل گوریل و... هم می‌شود.
زمان : تعریف دوری است زیرا زمان را با ساعت و ساعت را با زمان (ابزار اندازه‌گیری زمان) تعریف کرده است.

مثلث : جامع افراد نیست؛ زیرا شامل تمامی انواع مثلث نیست و تنها شامل مثلث متساوی‌الاضلاع می‌شود^۲.

خورشید : واضح نیست. در تعریف از استعاره استفاده شده است.

یَم : واضح نیست. استفاده از کلمه دشوارتر در تعریف (یَم و قماقم به معنی دریا هستند).

۱- این مورد در کتاب منطق چاپ سال ۱۳۹۷ به صورت زیر تغییر کرده است :

خفاش : پستانداری که پرواز می‌کند و در شب به شکار می‌رود (تعریف مفهومی).

۲- این مورد در کتاب منطق چاپ سال ۱۳۹۷ به صورت زیر تغییر کرده است :

پرنده : حیوانی که پرواز می‌کند (جامع نیست زیرا شامل پرندگانی مانند شترمرغ نمی‌شود، مانع نیست زیرا شامل خفاش می‌شود که پرنده به‌شمار نمی‌آید بلکه یکی از پستانداران است).

سؤال ۱: تعریف لغوی

سؤال ۲:

شابک: مخفف حروف اول عبارت «شماره استاندارد بین‌المللی کتاب».

نداجا: مخفف حروف اول عبارت «نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران».

پهپاد: مخفف «پرنده هدایت‌پذیر از دور».

هما: مخفف «هوایمایی ملی جمهوری اسلامی ایران»

سؤال ۳:

الف) نوعی آبگوشت در ظرفی مخصوص و ... (در این تعریف از آبگوشت به عنوان مفهوم عام استفاده می‌شود و وجه تمایز دیزی ذکر می‌شود).

ب) نوعی غذا شامل آب، گوشت، سیب‌زمینی و نخود و ...

ج) در تعریف از مفاهیم آشنا و معلوم نزد مخاطب استفاده می‌کنیم و همواره از بدیهی‌ترین یا عام‌ترین مفاهیم اولیه آغاز نمی‌کنیم.

سؤال ۴:

الف) تعریف به مثال

ب) تعریف به تشبیه (تعریف به مثال)

ج) تعریف تحلیلی (این تعریف دوری نیست، زیرا فرد عینک را می‌شناخته و می‌خواهد عینک «دوکانونی» را بشناسد).

د) تعریف تحلیلی

ه) تعریف تحلیلی

سؤال ۵:

هدف از طرح این سؤال درک اهمیت بحث تعریف در تمامی علوم است. همچنین نشان دادن این مطلب که در بسیاری از علوم در پی یافتن ذاتیات اشیا نیستیم و تعریف تنها برای تمایز استفاده می‌شود. همچنین کاربردی بودن بحث تعریف در علوم دیگر را نشان می‌دهد.

آمار: تعریف تحلیلی (در ص ۹۹ کتاب ریاضی و آمار (۱) پایه دهم آمده است: به مطالعه نحوه

گردآوری، سازمان دهی، تحلیل و تفسیر داده‌ها برای استخراج اطلاعات و تصمیم‌گیری، آمار گفته می‌شود).

کنش: تعریف تحلیلی (در درس اول کتاب جامعه‌شناسی (۱) پایه دهم آمده است: به فعلیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» می‌گویند. کنش آگاهانه، ارادی و هدف‌دار است).

سؤال ۶:

الف) تعریف دوری

ب) تعریف واضح نیست (استفاده از الفاظ دشوار در تعریف).

ج) تعریف جامع افراد نیست و همه انواع نقاشی را شامل نمی‌شود.

د) تعریف دوری

ه) ماهی: مهره‌داری که دارای آبشش است؛ (مانع نیست زیرا دوزیستان نیز دارای آبشش هستند).

تمرین و تحقیق‌های اضافی پیشنهادی

۱ معنای مختلف کلمه تعریف را در عبارات زیر مشخص کنید و بگویید آیا کلمه تعریف مشترک لفظی است؟

معلم در کلاس از دانش‌آموز ممتاز تعریف کرد. (پاسخ: تمجید کرد)

قصه را برایم تعریف کرد. (پاسخ: بیان کرد)

ابتدا باید این اصطلاح جدید را برایتان تعریف کنم. (پاسخ: تعریف منطقی)

۲ فرهنگ‌های تخصصی به تعریف واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی یک رشته می‌پردازند. با مراجعه به یکی از این فرهنگ‌ها و انتخاب چهار تعریف دلخواه، نوع آنها را مشخص کنید.

پاسخ:

دانش‌آموزان به طور عملی با فرهنگ اصطلاحات آشنا می‌شوند و درباره نوع تعریف تمرین می‌کنند. در این کتاب‌ها معمولاً ترکیبی از چند نوع تعریف ذکر می‌شود.

۳ انواع مختلف حیوانات را نام ببرید. به نظر شما وجه اشتراک آنها در چیست؟ از دبیر

زیست‌شناسی دبیرستان خود بخوانید که وجه افتراق چند حیوان را با حیوانات دیگر بیان کند. سپس حیوانات مورد نظر را تعریف کنید.

۴ تحقیق کنید به جز سه نوع تعریف ذکر شده در کتاب، چه نوع تعریف‌های دیگری وجود دارند؟ پاسخ:

در کتاب منطق کاربردی خندان و کتاب مبانی منطق و روش‌شناسی لطف‌الله نبوی می‌توانید با برخی دیگر از انواع تعریف آشنا شوید.

۵ اشکال تعریف‌های زیر را بیان کنید:

الف) علم: حقیقتی همچون نور.

ب) سلامتی: فقدان بیماری (بیماری فقدان سلامتی).

ج) بلبل: پرندۀ خوش آواز.

د) زمان: مقدار حرکت یک متحرک را زمان می‌گویند (حرکت به فعلیت رسیدن تدریجی است؛ تدریجی بودن یعنی زمان مند بودن).

ه) انسان: حیوان شهرنشین.

و) انسان: حیوان سخنگو؛ انسان: حیوان راه‌رونده؛ انسان: حیوان راست قامت.

پاسخ:

۶ الف) واضح نیست.

ب) تعریف دوری.

ج) مانع اغیار نیست.

د) تعریف دوری.

ه) جامع افراد نیست.

و) هیچ یک از تعاریف مانع اغیار نیستند.

۷ نوع تعریف‌های زیر را مشخص کنید:

الف) عنقا: سیم‌غ.

ب) ناکامی: ناراحتی یا آشفتگی یا خشم ناشی از بی‌نتیجه ماندن فعالیت، یا یأس یا شکست.

ج) روان‌شناسی شخصیت : روان‌شناسی‌ای که با طبقه‌بندی افراد و مطالعه تفاوت‌های فردی سر و کار دارد.

د) صندلی : وسیله‌ای که از تکیه‌گاه و نشیمن‌گاه تشکیل شده است.

ه) انسولین : دارویی برای درمان بیماری دیابت.

و) گاز : اکسیژن، هیدروژن، دی‌اکسیدکربن و مانند آن را گاز می‌گویند.

ز) نور قرمز : نوری با طول موج هشت انگستروم.

ح) تعریف رسانه در صفحه ۷ کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای : رسانه ابزاری است که فرستنده به کمک آن، معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند.

ط) تعریف قضیه در صفحه ۵۹ کتاب درسی منطق : به جملات با معنایی که درباره چیزی خبر می‌دهند و می‌توانیم درباره صدق یا کذب آنها سخن بگوییم، قضیه می‌گویند.

پاسخ :

الف) تعریف لغوی

ب) تعریف به مثال (تعریف از طریق ذکر مصادیق)

ج) تعریف تحلیلی (مفهومی)

د) تعریف تحلیلی (مفهومی)

ه) تعریف تحلیلی (مفهومی)

و) تعریف به مثال (تعریف از طریق ذکر مصادیق)

ز) تعریف تحلیلی (مفهومی)

ح) تعریف تحلیلی (مفهومی)

ط) تعریف تحلیلی (مفهومی)